



گزارش نامه داخل
دفتر رهبر عالیقدر
حضرت آیت الله العظمی صانعی (ره)

چهارشنبه ۱ مهر ۱۳۸۱ - ۴ شوال ۱۴۳۰ - ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۹
سال اول / شماره ۱۶ / ۶ صفحه
www.saanei.org & istifta@saanei.org

یادبود:

حقیقت همیشه زنده
به مناسبت پنجاهمین سالگرد
ارتحال آیت الله بروجردی (ره)

۳

دیدگاه:

رسانه ها به کجا می روند؟

حامد متقی

۸

نگاه مراجع تقلید:

مدینه و بقیع تمام هویت ماست

به مناسبت سالروز تخریب

قبور ائمه بقیع علیهم السلام

۱۶

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

بالاترین کمال در سه چیز است:

شناخت عمیق دین، پایداری در برابر

نامالایمات و نظم و برنامه در زندگی.

تحف العقول، ص ۳۰۱

دیدار با فرزندان:

فقه و حقوق بشر

با نگاهی به زندگی مرجع

نواندیش شیعه

۶

دفتر حضرت آیت الله العظمی صانعی (ره):

حلول ماه شوال مبارک

دوشنبه ۱۳۸۸/۶/۳۰ مصادف با اول شوال المکرم ۱۴۳۰ عید سعید فطر بر عموم مسلمانان مبارک باد. مبارک باد عید سعید فطر، روز بازگشت به فطرت پاک برای مسلمین و روز عزت، شرافت، و کرامت برای پیامبر بزرگ اسلام، حضرت محمد و آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین).

بسمه تعالی

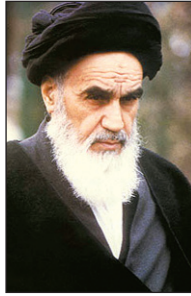
مبارک باد بر اهل ایمان که یک ماه تمام همراه با تقوا و امساک، پیشانی بر آستان معبود ساییدند و جز حق سخنی نگفتند و عاشقانه مهمانی خدا را درک کردند و با تحمل سختی ها، شیرینی و حلاوت ماه نزول قرآن را با تلاوت قرآن مجید و شب های قدر را با احیاء و شب زنده داری، و روز صیانت و دفاع از مظلومان جهان را با برداشتن گام های استوار خود به تثبیت ارزش های الهی و انسانی پیوند زدند. خداوند! در این ماه غرق در ضیافت تو بودیم و از فیوضات رحمانی تو بهره مند شدیم و بر سر سفره بی منتهای تو از لذایذ معنوی و روحانی ماه پر برکت حظ بردیم، اما اینک چگونه می توانیم فراق آن را تحمل کنیم؟ ماهی که ما را به عظمت آن، بزرگی بخشیدی و در آن ما را به تفکر و ادابستی که علاوه بر حمایت از محرومان، زجر کشیدگان و زندانیان بی گناه، به صیانت از ارزش های والای انسانی بشتابیم و همراه با امساک از لذایذ دنیوی، از درگهت بخواهیم که تمام اسیران را آزاد نمایی، تمام مریضان را شفا دهی و تمام بی پناهان دور از وطن را به سرزمینشان برگردانی و ما را نیز به گناهانمان مواخذه نمایی و توفیق بندگی بیشتر را به ما عطا فرمایی. خدایا! در حالی ماه رمضان ما را ترک می کند که هنوز مالا مال از عشق تو به بندگانت هستیم. هنوز زمزمه های مولایمان امام سجاد (ع) را به یاد داریم که چه زیبا فرمودند: خدایا! ما اهل آشنای این ماهیم. ماهی که ما را به آن بزرگی بخشیدی و به آگاهی از عظمت آن برگزیدی و به آداب آن آشنا کردی.

خدایا! به برکت این ماه، مصیبت فراق آن را جبران کن و روز جشن و فطر ما را مبارک گردان. آمین



آیت الله العظمی بروجردی از منظر امام خمینی (ره)

مرجعیت و حوزه



**موقعیت رفیع آن بزرگوار
در میان دانشمندان بزرگ و
علمای شیعه به حدی است
که به آسانی نمی توان آن
را استیفا کرد؛ چه آن که
رجال بزرگ و علمای طراز
اول شیعه و مراجع گرانقدر
عصر آن بزرگوار که هر
کدام استوانه ای از فضیلت
ورکنی رکین از ارکان
دیانت به شمار می آمدند،
همگی در برابر مقامات عالی
علمی و عملی آن بزرگوار
متواضع بودند**

موقعیت رفیع آن بزرگوار در میان دانشمندان بزرگ و علمای شیعه به حدی است که به آسانی نمی توان آن را استیفا کرد؛ چه آن که رجال بزرگ و علمای طراز اول شیعه و مراجع گرانقدر عصر آن بزرگوار که هر کدام استوانه ای از فضیلت ورکنی رکین از ارکان دیانت به شمار می آمدند، همگی در برابر مقامات عالی علمی و عملی آن بزرگوار متواضع بودند که نمونه اعلائی آنان را می توان در نجف آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی قدس سره و در قم به مرحوم امام (ره) و آیت الله العظمی گلپایگانی اشاره نمود.

اجلال آن بزرگ مرد کوشش داشتند و در مراعات احترام ایشان چنان بودند که حتی از این که لفظ آیت الله روی رساله عملیه شان در زمان آن زعیم بزرگ نوشته شود ابا و امتناع می ورزیدند.

آیت الله سلطانی طباطبائی که از یاران و نزدیکان آیت الله العظمی بروجردی و نیز از همراهان صمیمی امام خمینی به شمار می رود درباره علاقه مرحوم امام خمینی به آیت الله بروجردی می گوید:

قبل از ورود و اقامت آیت الله العظمی بروجردی در قم، امام آرزوی مهاجرت ایشان به قم را داشتند ... امام خمینی روزی به من فرمودند: حیف قم که آیت الله بروجردی در آن نیستند، کاش وضعی پیش می آمد که ایشان به قم می آمدند.

سخنان شاگردان امام درباره علاقه ایشان به آقای بروجردی:
آیت الله سید مرتضی میرقی:

... امام خمینی آیت الله آقا حسین بروجردی را مردی روشن میدانست. آیت الله حاج شیخ مجتبی محمدلی عراقی:

آقای حاج آقا روح الله ... [خطاب به فضلالی نجف] مرقوم کرده اند: "حاج آقا حسین بروجردی به قم آمده است.

موقعیت رفیع آن بزرگوار در میان دانشمندان بزرگ و علمای شیعه به حدی است که به آسانی نمی توان آن را استیفا کرد؛ چه آن که رجال بزرگ و علمای طراز اول شیعه و مراجع گرانقدر عصر آن بزرگوار که هر کدام استوانه ای از فضیلت ورکنی رکین از ارکان دیانت به شمار می آمدند، همگی در برابر مقامات عالی علمی و عملی آن بزرگوار متواضع بودند که نمونه اعلائی آنان را می توان در نجف آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی قدس سره و در قم به مرحوم امام (ره) و آیت الله العظمی گلپایگانی اشاره نمود.

مرحوم امام (ره) تا مدت ها درست مانند یکی از اصحاب و اطرافیان آیت الله العظمی بروجردی در بازگشت ایشان از درس به سوی خانه، وی را همراهی می کردند و تا در منزل با ایشان می رفتند و آن گاه باز می گشتند و در تحقق مرجعیت آن بزرگ مرد، گامهای بلندی برداشتند به گونه ای که در نامه ای که به یکی از علمای بزرگ تهران در آن عصر نوشتند از ایشان خواستند که توجه مردم را به آقای بروجردی معطوف کنند.

مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) از آغاز ورود آن بزرگوار به قم تا پایان زندگی آن بزرگوار در اعزاز و

فارغ التحصیلی ۴۴۵ دانش پژوه مرکز تخصصی ادیان و مذاهب

رییس مرکز تخصصی ادیان و مذاهب گفت: بررسی مذاهب و فرق اسلامی و برگزاری دوره های آموزشی، آشنایی با اندیشه ها و اعتقادات آنها از ضرورت هایی بود که بعد از پیروزی انقلاب به آن پرداخته شد.

به گزارش مرکز خبر حوزه، حجت الاسلام والمسلمین منتظری به برنامه ها و فعالیت های این مرکز اشاره کرد و اظهار داشت: امسال هشتمین دوره آشنایی با ادیان و مذاهب در این مرکز برگزار می شود که بیش از ۲۸۰ نفر در آزمون ورودی شرکت کردند اما فقط گنجایش پذیرش ۲۰ دانش پژوه وجود دارد.

وی افزود: تاکنون ۴۴۵ دانش پژوه از این مرکز، فارغ التحصیل شده اند و در بخش های مختلفی همچون امامت جمعه و جماعت مناطق سنی نشین، عضویت در هیأت علمی دانشگاه های جنوب و جنوب شرق کشور فعالیت دارند.

مرکز تخصصی ادیان مذاهب گفت: برخی از فارغ التحصیلان در پژوهشکده های آموزشی و پژوهشی و برخی به عنوان مبلغین موفق در مناطق سنی نشین اعزام شده اند که به نشر فرهنگ و معارف اهل بیت (ع) می پردازند.

حجت الاسلام منتظری تصریح کرد: این مرکز پایگاه علمی برای سازمان های مختلف از جمله سپاه پاسداران، آموزش و پرورش و بسیاری از دانشگاه ها و مراکز علمی کشور در مناطق سنی نشین است.

وی عنوان کرد: بسیاری از فارغ التحصیلان در انتظار تصویب سطح ۴ رشته تخصصی ادیان و مذاهب با گرایش آشنایی با وهابیت هستند و امیدواریم در تصویب این طرح تسریع شود.

رییس مرکز تخصصی ادیان و مذاهب در پایان افزود: آموزش غیرحضوری برای روحانیون مناطق سنی نشین برگزار شده که بیش از ۱۱۰ نفر در این آموزش ها شرکت کرده که با ارسال سی دی و جزوه با عقائد و اندیشه های اهل سنت آشنا می شوند.

مجلس درس و محفل ایشان، مجالس و محافل عالمان و بزرگان صدر اسلام از قبیل شیخ مفید و شیخ طوسی را زنده میکند. هر چه سریعتر به قم بیاید.

علاقه زاید الوصف امام به آیت الله بروجردی بسیار کم نظیر و شاید منحصر به فرد بود تا آنجا که یک از شاگردان ایشان می گوید: امام خمینی فرمودند: به جدم قسم هنوز سراغ ندارم کسی را که مثل من آقای بروجردی را دوست داشته باشد.

شهید آیت الله مطهری نیز مینویسد: امام خمینی میفرمود: من در حال مطالعه آقای بروجردی هستم و جز حقیقت چیز دیگری در این آقا نمی بینم

و این محبت خالصانه علیرغم اختلافی که در نحوه مدیریت حوزه علمیه رخ نموده بود و برخی کوشش داشتند آن را بسیار بزرگتر از آنچه که بود نشان دهند تا آخرین روزهای حیات آیت الله بروجردی تداوم داشت.

برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی بروجردی

حقیقت همیشه زنده

آیت الله العظمی بروجردی (ره) در ماه صفر ۱۲۹۲ هجری قمری در شهر بروجرده دیده به جهان گشود. در سن ۷ سالگی برای تحصیل به مکتب رفت، علوم مقدمات را نزد پدر و اساتید آن روز بروجرده آموخت، در سن هجده سالگی به اصفهان رهسپار شد و مدت چهار سال در مدرسه صدر اصفهان معلومات خود را تکمیل نمود.

سید محمد بروجردی جد پنجم آیت الله بروجردی، دختر زاده علامه مجلسی اول و سید مهدی بحر العلوم عموی جد دوم آن مرحوم، و سید جواد طباطبایی جد سوم وی، و حاج میرزا محمود بروجردی عموی جد نخست، هر کدام از آنان

مراجعه تقلید و پیشوایان مردم و فقهاء و دانشمندان بلند پایه عصر خود بوده اند، ایشان علاوه بر شخصیت علمی و دینی خودشان، از طرف نیاکان مادری وارث مرجعیت و ریاست دینی بوده اند.

آیت الله بروجردی (ره) در ماه صفر ۱۲۹۲ هجری قمری در شهر بروجرده دیده به جهان گشود. در سن ۷ سالگی برای تحصیل به مکتب رفت، علوم مقدمات را نزد پدر و اساتید آن روز بروجرده آموخت، در سن هجده سالگی به اصفهان رهسپار شد و مدت چهار سال در مدرسه صدر اصفهان معلومات خود را تکمیل نمود. در سال ۱۳۱۴ پس از بازگشت از اصفهان ازدواج کرد و مجدداً به این شهر عزیمت کرد و پنج سال دیگر هم به تحصیل و تدریس علوم و فنون مختلفی اهتمام ورزید در این دو سفر ۹ ساله علوم فقه و اصول و فلسفه و ریاضی را از محاضر فقهاء و حکمای نامی آن عصر همچون مرحوم میرزا ابوالمعالی کلباسی، سید محمد تقی مدرس، سید محمد باقر درچه ای، ملا محمد کاشانی، جهانگیرخان قشقایی حکیم مشهور، فرا گرفت و به تدریس فقه، اصول و دیگر علوم پرداخت در سال ۱۳۲۹ (ه.ق) از بروجرده به نجف اشرف رهسپار و به حوزه درس مرحوم آیت الله



آیت الله بروجردی در اواخر سال ۱۳۲۸ "هق" پس از دریافت اجازه اجتهاد به وطن مراجعت کرد. از جمله خدمات ایشان در قم ایجاد مساجد بخصوص مسجد اعظم، مدارس و کتابخانه ها و ... بود. از تألیفات ایشان، تعدادی منتشر شده است. در همان سالهای اول که از نجف اشرف برگشته بودند کتاب "عروة الوثقی" مرحوم آیت الله محمد کاظم یزدی را حاشیه کرد که این اولین عروة الوثقی بود که چاپ و منتشر شده بود.

آخوند ملا محمد کاظم خراسانی در آمد. نه سال از محضر آن فقیه بهره گرفت و در محضر آیت الله شریعت اصفهانی به تحصیل علوم فقه و رجال پرداخت. آیت الله بروجردی در اواخر سال ۱۳۲۸ "هق" پس از دریافت اجازه اجتهاد به وطن

مراجعت کرد. ۶ ماه پس از ورودش به بروجرده، پدرش بدرود حیات گفت و ناگزیر در وطن ماندنی شد. از تألیفات ایشان، تعدادی منتشر شده است. در همان سالهای اول که از نجف اشرف برگشته بودند کتاب "عروة الوثقی" مرحوم آیت الله محمد کاظم یزدی را حاشیه کرد که این اولین عروة الوثقی بود که چاپ و منتشر شده بود. بسیاری از مردم به ایشان رجوع کردند. در سال ۱۳۴۴ (ه.ق) در سن ۵۲ سالگی به زیارت بیت الله الحرام مشرف گردید و در راه برگشت ۸ ماه در نجف اشرف توقف کرد و در سال ۱۳۴۵ ه. ق از راه بصره به ایران بازگشت. در سال ۱۳۶۲

هجری قمری به واسطه بیماری به تهران مسافرت نمود و ۲ ماه بستری گردید و عموم طبقات، شاه و نخست وزیر، وزراء، علماء و نمایندگان مجلس و ... از ایشان ملاقات می کنند. پس از بهبودی، آیت الله خمینی و تعدادی از علماء دیگر از ایشان دعوت می کنند که به قم بیاید و ایشان پس از استخاره به قرآن کریم عزم خود را برای رفتن به قم و تصدی حوزه علمیه آن جزم نمود و در دی ماه ۱۳۲۳ ه. ش رهسپار قم گردید. ایشان پس از ورود به قم صبح ها در مدرسه عشقعلی، فقه و در مدرسه فیضیه، اصول تدریس می کردند، تدریس فقه را تا پایان عمر رها نکردند.

از جمله خدمات آیت الله بروجردی در قم ایجاد مساجد بخصوص مسجد اعظم، مدارس و کتابخانه ها و ... بود، آیت الله بروجردی فقیه، ۴ فرزند، ۲ پسر و ۲ دختر داشتند. ایشان پس از هفتاد سال تلاش علمی و فعالیت های اجتماعی و سیاسی در صبح روز پنجشنبه ۱۲ اشوال ۱۳۸۰ ه.ق. برابر با ۱۳۴۰/۷/۱۰ ش. در حالی که ۸۸ بهار زندگی را پشت سر گذاشته بود، چشم از جهان فرو بست و برای همیشه راه و یادش جاودانه گردید چرا که او حقیقت بود و حقیقت همیشه زنده است و فناپذیر.

حقیقت زهد

امام علی علیه السلام بعد از خاتمه جنگ جمل وارد شهر بصره شد. در خلال ایامی که در بصره بود، روزی به عیادت یکی از یارانش، به نام علاء بن زیاد حارثی رفت. این مرد، خانه مجلل و وسیعی داشت. علی همینکه آن خانه را با آن عظمت و وسعت دید، به او گفت: این خانه به این وسعت، به چه کار تو در دنیا می خورد، در صورتی که به خانه وسیعی در آخرت محتاجتری؟! ولی اگر بخواهی می توانی که همین خانه وسیع دنیا را وسیله ای برای رسیدن به خانه وسیع آخرت قرار دهی به اینکه در این خانه از مهمان، پذیرایی کنی، صلح رحم نمایی، حقوق مسلمانان را در این خانه ظاهر و آشکارا کنی، این خانه را وسیله زنده ساختن و آشکار نمودن حقوق قرار دهی و از انحصار مطامع شخصی و استفاده فردی خارج نمایی. علاء: یا امیرالمؤمنین! من از برادرم عاصم پیش تو شکایت دارم چه شکایتی داری؟

تارک دنیا شده، جامه کهنه پوشیده، گوشه گیر و منزوی شده همه چیز و همه کس را رها کرده. او را حاضر کنید!

عاصم را احضار کردند و آوردند. علی علیه السلام به او رو کرد و فرمود: ای دشمن جان خود! شیطان عقل تو را ربوده است، چرا به زن و فرزند خویش. رحم نکردی؟ آیا تو خیال می کنی که خدایی که نعمتهای پاکیزه دنیا را برای تو حلال و روا ساخته ناراضی می شود از اینکه تو از آنها بهره ببری؟ تو در نزد خدا کوچکتر از این هستی. عاصم: یا امیرالمؤمنین! تو خودت هم که مثل من هستی، تو هم که به خود سختی می دهی و در زندگی بر خود سخت می گیری، تو هم که جامه نرم نمی پوشی و غذای لذیذ نمی خوری، بنابراین من همان کار را می کنم که تو می کنی و از همان راه می روم که تو می روی. اشتباه می کنی، من با تو فرق دارم، من سمتی دارم که تو نداری، من در لباس پیشوایی و حکومت، و وظیفه حاکم و پیشوایان وظیفه دیگری است خداوند بر پیشوایان عادل فرض کرده که ضعیفترین طبقات ملت خود را مقیاس زندگی شخصی خود قرار دهند. و آن طوری زندگی کنند که تهیدست ترین مردم زندگی می کنند تا سختی فقر و تهیدستی به آن طبقه اثر نکند، بنابراین، من وظیفه ای دارم و تو وظیفه ای.

استاد مطهری

نگاه آیت الله صانعی درباره تفکر فقهی آیت الله العظمی بروجردی:

تأثیر ریشه یابی روایات در استنباط احکام

احترام به دیدگاه فقه‌های عامه یک ریشه تاریخی دارد. از زمان سید مرتضی به عنوان یک فقه تطبیقی و حقوق تطبیقی مطرح بوده است. سید مرتضی «انتصار» می نویسد و در آن مبانی عامه و امامیه را نقل می کند و مستنداً به ادله ای که آنها هم پیسنندند و ادله ای که واقعاً دلیل هستند جواب می دهد. بعد نوبت به شیخ طوسی می رسد که کتاب «تخلاف» را می نویسد و فقه تطبیقی را دنبال می کند. علامه هم در تذکره همین دیدگاه تطبیقی و به زبان امروز فقه مقارن را مطرح می کند. اینها دیدگاه های اهل سنت را می آوردند و جواب می دادند. این ریشه تاریخی دارد. اما امتیاز آیت الله بروجردی در فقه این بود که مسائل را ریشه یابی می کردند. برای این کار ایشان شناخت نظریات فقه‌های اهل سنت را لازم می دید. چون ایشان معتقد بوده است که فقه شیعه در ابتدا حاشیه ای بر فقه اهل سنت بوده است. امتیاز بسیار قوی

اشاره:

سال ۸۵ مسئولان روزنامه شرق بر آن شدند تا به مناسبت سالگرد فقیه نامدار شیعه، حضرت آیت الله العظمی بروجردی به انتشار ویژه نامه ای مبادرت ورزند. در همین رابطه به دیدار مرجع نواندیش شیعه حضرت آیت الله العظمی صانعی شتافتند و طی گفتگویی دیدگاه ایشان را پیرامون تأثیر ریشه یابی روایات در استنباط احکام به چاپ رساندند. اما آیت الله در همین رابطه تأکید کردند:

جای تشکر است که شما می خواهید یادنامه ای را درباره آیت الله العظمی بروجردی منتشر کنید. به شرطی که بازی سیاسی در یادنامه نیاید. چون در این صورت هم ظلم به فقه و فقاقت شده است هم ظلم به آیت الله بروجردی. اگر می خواهیم بحث سیاسی داشته باشیم باید در جای خودش طرح شود. مرجع نواندیشه شیعه



ادامه دادند: اما یادنامه باید به دور از خط و خطوط سیاسی باشد.

زمانی کنگره ای درباره آیت الله بروجردی تشکیل شده بود، آقای واعظ زاده خراسانی لطف کرده و آمده بودند که مرا هم دعوت کنند. به ایشان هم گفتم اگر می خواهید کنگره علمی باشد باید خط و خطوط سیاسی حاکم نباشد. اینکه کسانی را دعوت می کنید آیا می توانید حرف های آنها را هم پخش کنید؟ گفتند نه نمی توانیم، گفتم پس من هم نمی توانم. این یک کار سیاسی است. عرایض من هم ان شاء الله با این شرط نوشته می شود. در غیر این صورت این جملات بنده هم حذف شود. چون من نمی خواهم فقه پربر شیعه را با خطوط سیاسی و قدرت ها مخدوش کنم.

امید است روزنامه شرق که از وزانت خاصی برخوردار است، که در بحث های تحقیقاتی و فکری حقوقی اش این وزانت را می بینم، در این مورد هم حق مطلب را رعایت نماید. آیت الله صانعی در این گفتگو درباره تفکر فقهی آیت الله بروجردی چنین فرمودند که با هم بی می گیریم.

امتیاز بسیار قوی فقه آیت الله بروجردی ریشه یابی بود.

اصولش هم همین است. ایشان از نواده های بحر العلوم

بوده که او هم در ریشه یابی مسائل بسیار قوی بوده است، در نوشتار هم

ایشان به شدت دقیق و حساس بودند، به طوری که ایشان نوشته های بسیار

داشت ولی هیچ کدام در زمان خودشان چاپ نشد. چون هر بار که آن را

مرور می کردند چیزی بر آن می افزودند. در فتواهایشان هم همین

حساسیت و وسواس را داشتند.

ظلم شده است. یا در جامعه کسی مرتکب خلاف می شود حق نداشته باشم به او انتقاد کنم، غیبتی که حرام است و مشمول همه انسان ها می شود غیبتی است که از حسد شخصی سرچشمه بگیرد. اینکه من ناراحت باشم چرا دیگری این فضیلت را دارد. موارد استثنای غیبت بسیار زیاد است. شهید ثانی در رساله غیبتش ده، بیست مورد را استثنا کرده است که به نظر من آنها استثنا نیست، از ابتدا آنها با غیبت متفاوت بوده است. آقا زاده بزرگ مرحوم محقق داماد می گفت پدرم معتقد بود برخی روایات غیبت در زمان بنی امیه بعد از حادثه کربلا آمده است. چون بنی امیه جنایت زیاد کردند برای اینکه کسی آن جنایات را متذکر نشود، این مطالب را درباره غیبت گفتند در حالی که آنها غیبت نیست، بیان ظلم است. یا کسی که مسئولیتی را پذیرفته در مقام مسئولیت باید اجازه بدهد من حرفم را بزنم یا اگر کسی نظرش را علنی گفت من هم حق دارم علنی پاسخ بدهم.

امتیاز آیت الله بروجردی در فقه این بود که مسائل را ریشه

یابی می کردند. برای این کار ایشان شناخت نظریات فقه‌های اهل سنت را لازم می دید.

گذشته از این موارد غیبت مطلقاً حرام است. لذا آیت الله بروجردی از این جهت رعایت می کرد و به برادران اهل سنت بد نمی گفت. این منبعث از فرهنگ و شأن علمی اسلام است. ایشان از نظر جهانی طرفدار وحدت جهان اسلام بود. ضمن اینکه اساساً بدگویی نسبت به مقدسات دیگران بد است. در قرآن آمده است ولا تسبوا الذین یدعون من دون الله. باید گفت تکیه شیعه بر مثبتات خودش

نظریات عامه را نقل می کردند و کار خوب و پسندیده ای هم بود. اما اینکه به آنها با دیده احترام می نگریستند هم یک فضیلت انسانی است، هم یک فضیلت سیاست اسلامی است. اما از نظر انسانی بنده در بحث غیبت گفته ام که غیبت هیچ انسانی جایز نیست، برخلاف بعضی فقه‌ها که گفته اند غیبت غیر شیعه جایز است یا دلیلی بر حرمت نداریم. بنده در مکاسب محرمه گفتم غیبت هیچ کس مجاز نیست. اما غیبت یعنی انتقادی که از حسد سرچشمه می گیرد نه اینکه اگر من مظلوم واقع شدم حق نداشته باشم بگویم به من

دقیق و حساس بودند، به طوری که ایشان نوشته های بسیار داشت ولی هیچ کدام در زمان خودشان چاپ نشد. چون هر بار که آن را مرور می کردند چیزی بر آن می افزودند. در فتواهایشان هم همین حساسیت و وسواس را داشتند. یادام است آن زمان که طلبه ها به جمکران می رفتند و می آمدند و بحث نماز شکسته مطرح بود، هر دو، سه ماه ایشان نظر دیگری می دادند. گاه می گفتند نماز شکسته است گاه می گفتند کامل باید خواند. چون دائماً در حال تفحص و تتبع بودند. اجمالاً به خاطر ریشه یابی و اقتدا به شیوه سلف صالح

فقه آیت الله بروجردی ریشه یابی بود. اصولش هم همین است. ایشان از نواده های بحر العلوم بوده که او هم در ریشه یابی مسائل بسیار قوی بوده است. اخیراً کتاب مصابیح ایشان را که بعضی آقایان می خواهند چاپ کنند دیدم این روش در آن بسیار روشن است. چه بسا اتخاذ این روش از سوی ایشان از کثرت تتبع و تفقه ایشان است که نقل می کنند در اصفهان که مشغول تحقیق و مطالعه می شد متوجه گذشت زمان نمی شد و همچنان غرق مطالعه و غور در مسائل بود. کم‌اینکه در نوشتار هم ایشان به شدت



است و اگر بخواهیم شیعه را معرفی کنیم باید به همین مثبتات تکیه کرد.

مرحوم امام خمینی هم در سراسر کتاب هایشان یک جار انمی بینید به بزرگان اهل سنت خلاف احترام و اخلاق چیزی گفته باشند. در حالی که بعضی بزرگان ما این رویه را داشته اند. کما اینکه در باره مرحوم فیض چه ها گفته اند. مرحوم امام در همین کتاب چهل حدیث خودشان در تفاوت افراد با یکدیگر می گویند کسی کتابی نوشته بود که آن را وقف کسانی کرده بود که روزی صد بار به مرحوم فیض لعن کنند. در حالی که مرحوم شاه آبادی می گفت لعن به شخص نکنید، مگر اینکه لعن به او از جانب اهل بیت آمده باشد، چون ممکن است او بین خود و خدا اصلاح شده باشد. آیت الله بروجردی هم بر همین اساس اخلاقی هیچ گاه خلاف احترام عمل نمی کرد. اما از جهت سیاسی هم باید مسلمانان هماهنگ باشند، در این صورت فشار و هتک بر اسلام کمتر خواهد شد. این هماهنگی و نزدیکی را هم نمی شود از قدرتمندان انتظار داشت چون ممکن است با منافع آنها و ریاستشان منافات داشته باشد. آقای بروجردی معتقد بود این هماهنگی ایجاد شود. همه ما باید زمینه ساز این هماهنگی شویم تا در ظهور مهدی موعود (عج) همه تسلیم حق و عدالت شوند. البته این جبر تاریخ است که بشریت به سوی وحدت می رود، هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون. امروزه بشریت از اختلاف ها ناراحت است و اختلافاتی که هست بخشی مربوط به قدرتمندان است، بعضی هم مربوط به ناآگاهی و جهالت است و گرنه اگر اسلام واقعی معرفی شود همه می پذیرند.

الان در عراق برخی قدرتمندان مخالفند که رئیس جمهور شیعه باشد، برخی دیگران هم مخالف سنی بودن آن هستند. در حالی که فرقی نمی کند. وقتی قانونی وجود دارد که حقوق همه را در نظر گرفته است، مسئله اینکه رئیس جمهور شیعه یا سنی باشد اهمیت ندارد. باید فرهنگ جامعه را بالا ببریم. در این صورت شیعه یا سنی بودن رئیس جمهور نمی تواند اثرگذار باشد. مگر اینکه فرهنگ جامعه عقب افتاده باشد. ما حتی با مسیحیان هم نزاعی نداریم بلکه با هیچ انسانی دعوا نداریم. قرآن هم می گوید همه تسلیم حق و عدالت باشید. آقای

بروجردی هم حیث سیاسی و هم اخلاقی این مسئله را رعایت می کرد که ما هم امروز موظفیم این مسائل را رعایت کنیم. امید است در ایامی مثل هفته وحدت واقعاً این هماهنگی ها تقویت شود، نه اینکه کار صوری و نمادین باشد ولی در محتوا نحو دیگری باشد. آقای فلسفی می گفت جایی رفته بودم، قبل از ورود پشت در شنیدم از من بدگویی می کنند. بعد در را باز کردم و وارد شدم، همان افراد با خوشرویی از من استقبال کردند و گفتند الان ذکر خیرت بود. این نمی شود که به صورت متحد و به سیرت متشتت باشیم. آقای بروجردی از نظر فرهنگی و علمی در جهت تقرب مذاهب اقدامات بسیاری کردند. برای تدریس مختصر نافع در الازهر مصر اقدام کردند. سید مرتضی هم می خواست چنین کاری بکند که موفق نشد.

ریشه یابی روایات خیلی می تواند در استنباط احکام موثر باشد. گاهی حرف هایی که ائمه زده اند، بر اساس تقیه بوده است، تقیه یکی از ابوابی است که ما حقایق فقه شیعه را بفهمیم. مثلاً درباره مسئله دیه زن که بنده معتقد در اسلام برابر است. یکی از دوستان نقل می کرد در سفر حج یکی از آقایان بحث می کرد که اگر ما از بحث تعارض روایات بگذریم و فرض کنیم روایات همه می گویند دیه زن نصف مرد است و تعارضی در کار نیست شما چه جواب می دهید؟ ایشان گفته بود احتمال داده می شود که جو اجازه نمی داده است که ائمه خلاف

نظر عامه را اعلام کنند ولی باید از فلانی ببرسیم. من به آن آقا عرض کردم که از قضا صاحب حدائق و حاج آقا رضا همدانی تقیه بدون روایت معارض را قبول دارند. گاهی روایت معارض وجود دارد، آن را که موافق نظر عامه است حمل بر تقیه می کنیم. اما گاهی به نظر صاحب حدائق ممکن است از ترس عامه تنها یک روایت باشد، اما همان یک روایت از باب تقیه صادر شده باشد. نه از علمای عامه، بلکه قدرتمندان عامه که علمارا وادار می کردند هر طور آنها می خواهند فتوا بدهند. بنابراین اثر دارد که ما ببینیم علمای عامه چه گفته اند در کنارش ببینیم ائمه این را که گفته اند بیان واقع بوده است که معمولاً همین طور بوده است یا اینکه جو آن روز اجازه نمی داده است که ائمه واقع را بگویند و از باب تقیه مطلبی را گفته اند.

جمله ای از مرحوم امام شنیده ام که بد نیست گفته شود. بعد از فوت آیت الله بروجردی در خدمت امام خمینی به تهران می رفتیم، ایشان می فرمود من رفتم

نجف در حوزه ای که بزرگان بودند گفتم بروید از بروجرد آقای بروجردی حوزه بیاورید که بعد از آقا سید ابوالحسن حوزه را حفظ کند. ایشان هم استخوان دارد و هم اثباتاً اعلم است. بعد یکی از دوستان گفت شما که از جلسه بیرون رفتید آقایان انتقاد داشتند که ایشان می گوید بروید از بروجرد آقای بروجردی را بیاورید در حالی که ما امثال آقا شیخ محمد کاظم شیرازی را داریم که شیرهای فقاقت اند. ایشان فرمود که من به آن آقا گفتم آنها به حرف من توجه کامل نکردند، چون من گفتم ایشان استخوان دارد یعنی عشایر دنبال ایشان هستند و این به اعلمیت ربطی ندارد، ایشان می تواند عشایر را حرکت بدهد و در جهت اسلام از آنها استفاده کند. ثانیاً گفتم ایشان اثباتاً اعلم است و این منافات ندارد که آقا شیخ محمد کاظم ثبوتاً اعلم باشد، چه رسد که ایشان ثبوتاً هم اعلم بود. یعنی در مقابل بزرگان آن زمان ایشان معتقد بود که آقای بروجردی ثبوتاً و اثباتاً اعلم بود.



امتیاز آیت الله بروجردی در فقه این بود که مسائل را ریشه یابی می کردند. برای این کار ایشان شناخت نظریات فقهای اهل سنت را لازم می دید، لذا از این جهت رعایت می کرد و به برادران اهل سنت بد نمی گفت. این منبعث از فرهنگ و شأن علمی اسلام است. ایشان از نظر جهانی نیز طرفدار وحدت جهان اسلام بود.

پاسخ حضرت آیت الله العظمی صانعی به نامه جناب آقای مهندس میر حسین موسوی



بسمه تعالی

حضور محترم دوست مکرّم و متعهد و یار دیرینه امام امت (سلام الله علیه) جناب آقای مهندس میرحسین موسوی (دام عزه) نامه حضرت تعالی واصل گردید، امیدواریم طرح و برنامه متین شما همراه با آگاه سازی بیشتر جامعه که هدف رسالت انبیاء عظام، شهادت شهداء، تقوای متقین و عبادت اولیاء الله می باشد، صورت گیرد و تحقق قسط به عنوان یک فرهنگ برای جامعه درآید و مردم به حقوقشان نائل آیند لَقُومَ النَّاسِ بِالْقِسْطِ. و باید دقت نمود که از اهداف مهم هر طرح و برنامه ای، ایجاد وحدت و اتحاد بیش از پیش بین مظلومین باشد که منشاء همه خیرات همان اتحاد و اعتصام به حبل الله می باشد و لازم است مراقبت شود که خدای ناخواسته کلمه اتحاد و اعتصام به حبل الله سبب رخنه ظالمان و ستمکاران در صفوف مظلومان نگردد که نتیجه آن چیزی جز تداوم ظلم و ستم نخواهد بود.

قم المقدّسه
یوسف صانعی

۱۳۸۸/۷/۱

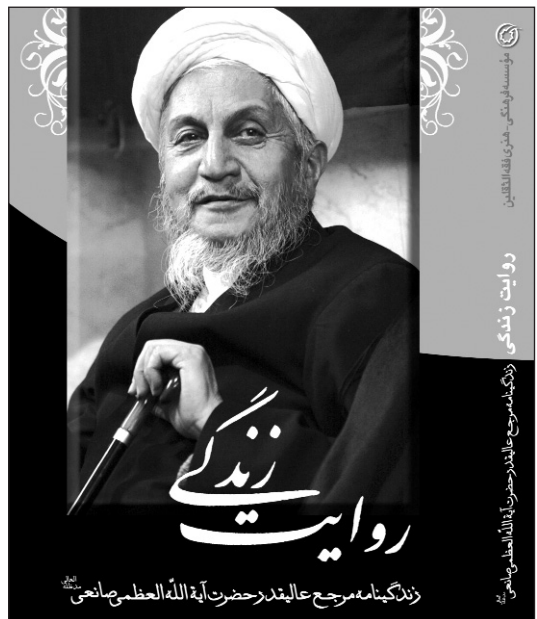
تاریخ: ۲۷/۱۳۸۸

فقه و حقوق بشر

می داد ما باید از امام درس بگیریم در پرورش هر کسی در حد خودش، هر استادی نسبت به شاگردش، هر مدیری نسبت به زیردستانش، هر مسؤول سیاسی نسبت به دیگران و جامعه اش، این پرورش دادن این عنایت داشتن بازیچه نیست که شخصی ۸

مادران امام که می رفتیم، پیش مطالعه و پیش مباحثه می کردیم تازه باید به جای تمام حواسمان یک مقدار هم باید حواس می گرفتیم ببینیم چطوری کد می دهد و اشاره می کند. من بارها گفته ام درس های امام همه بحث های دیگران است لا بالممازجه ولا

اصل این که اسلام حکومت دارد و از مسلمات فقه شیعه است. اگر اسلام حکومت نداشته باشد، حرج و مرج و نامنی پیش می آید و جان و مال و ناموس مردم به خطر می افتد و حقوق مردم تضییع می شود. پس عقل و نقل حکم می کند که ملت حکومت داشته باشد و تشکیل حکومت از احکام اولیه است؛ یعنی چیزی است که برای جلوگیری از حرج و مرج لازم است و واجبی هم مهم تر از این نیست.



یا باید بچه را فدای مادر کنیم یا این که مادر را فدای بچه. بعد از ظهری بود که منزل ایشان جلسه ای تشکیل دادند و دکتر قره گوزلو رئیس بیمارستان نکویی هم بود امام فرمود حالا صبر کنید تا فردا صبح. بعد به اخوی گفتند: شما در منزلتان ختم امن یجیب بگیرید و آقای قاضی، عموزاده علامه طباطبایی که قبرش در شیخان است را هم بگویید بیاید؛ چون از رفقای قدیمی امام بود و آدم خاصی بود و دارای کرامات و خصوصیات بود. بعد از دعا شفای این ها را از خدا بخواهید تا ببینیم چه می شود؟ نیمه های شب بود که تلفن به آقای اخوی زنگ می زند که خطر هم از مادر رفع شده و هم از بچه و فردا صبح هم سالم شدند و بعد به دنیا آمد.

اصل این که اسلام حکومت دارد از مسلمات فقه شیعه است و دلیشان هم این است که اگر اسلام حکومت نداشته باشد، حرج و مرج و نامنی پیش می آید و

سال مرتب صبح و عصر دنبال یک کسی که دریای علم و فلسفه است بگیرد و آن مسائلی که شما از بزرگان نسبت به ایشان نقل می فرمودید او گوش می دهد. یک روز صبیبه ایشان مریض بود فردایش رفتم آنجا اخوی گفت: چکار داری؟ گفتم: سوآلی از امام دارم. گفت، صبیبه امام در بیمارستان است و شما بروید.

گفتم: نمی شود و امام این طور نیست که من برگردم. می روم حرفم را می زنم. آمدم و مطلبمان را به امام گفتم. امام خیلی گرفته بود و جواب ما را نداد ما هم یک آدم پرتوقع، امروز که صبیبه شان مریض است آمده ایم از قیافه ما معلوم بود که ناراحتیم فردا که امام برای درس به مسجد اعظم آمدند، مطلب را بیان کردند و گفتند: دیروز آقایابی آمده مسائل را برای من نوشته است و چون یک مقدار حواسم جمع نبود جواب ندادم. معذرت می خواهم و حالا می

بالمباینه، نه این جور است که آن ها باشد و نه آنجور است که آنها نباشد. ما فتوای نادر از امام نمی یابیم یعنی فتوایی که با موازین فقهی سنتی جور در نیاید، او شاگرد می پروراند؛ امام عنایت داشت. من الان که دارم فکر می کنم تعجب می کنم چون دنیای الان را دارم می بینم بنده حدود ۸ سال درس امام می رفتم و تا زمانی که در مسجد سلماسی درس می فرموده، چه صبح و چه عصر، پشت سر امام راه می افتادم و تا مقابل خانه شان می رفتم. خوب طبیعی است که ۸ سال یک روز و دو روز نیست آن هم یک بچه طلبه دهاتی که حرف می زند ممکن است خیلی حرفهایش هم نادرست باشد، قاعدتاً یک روز عصبانی بشود قیافه اش را در هم بکشد، یک روز رو ترش کند که آدم بفهمد این آقا دیگر مایل نیست، اما امام با آن عنایتی که داشت در تمام این مدت یک روز نشد که از دست امام ناراحت بشوم و بگویم امام ناراحت شده و نباید بروم، جالب این است که امام پرورش



واجبی هم مهم تر از این نیست و بر حسب گذشت زمان هر چه را که جامعه بشر با فکرش در اختیار حکومت قرار داده و می گوید باید انجام بدهد، هم مقدار اختیارات حکومت و هم مواردی که حکومت به کار می برد، اگر خلاف شرع نباشد باید انجام بگیرد روزی به صورت استبداد بوده یعنی خود پادشاه اهل حل و عقد بوده که ۴ نفر ریش سفیدان می نشستند و مطرح می کردند، روزی به صورت مشروطه بوده که مجلس قوانین را می گذرانده و چنین و چنان، امروز هم به صورت جمهوری

جان و مال و ناموس مردم به خطر می افتد و حقوق مردم تضییع می شود. پس عقل و نقل حکم می کند که ملت حکومت داشته باشد و حتی مرحوم آقای اراکی (رضوان الله تعالی علیه) در این کتاب مکاسب محرمة ظاهراً دارند که حکومت را از کجا باید تامین کرد؟ چون حرف ایشان این است که چون تشکیل حکومت بر ما واجب است زیرا همه ما مکلفیم که اعراض و امنیت مسلمین را حفظ کنیم و حقوق افراد را حفظ کنیم تا مردم به حقوقشان برسند، حالا با دید حکومت منهای منابعی که دارد - همان حکومت ۲۰۰ سال قبل را مثلاً نگاه کنیم - می فرماید چون تشکیل حکومت بر ما واجب است حفظ آن هم بر ما واجب است و مقدمات ما باید مالیات بدهیم تا این ها به کارمندانشان بدهند و اداره بشود و این را بابت اجاره بدهند.

نه اصلاً این حرفها مطرح نیست حرف ایشان درست است که تشکیل حکومت و حفظ آن بر ما واجب است و همگان باید با دادن مالیات و انواع و اقسام دیگر، آن را حفظ کنیم این یک بحث و آنچه که بنده از بحث امام برداشتم می کنم این است که وقتی اسلام حکومت دارد این نظر اسلام است برای همیشه است، عقل هم همین را می گوید که حکومت لازم است من کار به کیفیت حکومت ندارم اصل حکومت را عرض می کنم. این حکومت برای حفظ اموال و اعراض و انفس مردم آمده برای امنیت آمده و امروز برای رشد استعدادها آمده؛ چون دانشگاهها و وزارتخانه ها مال حکومت است هر زمان بر حسب بینش افراد باید آن حکومت تشکیل و اداره بشود و لذا محقق در شرایع می فرماید که مستحب است کمک کردن به سلطان عادل؛ یعنی اگر کسی در رأس قدرت قرار گرفت، سلاطین آن موقع هم به عنوان استبداد عمل می کردند منتهی در این استبداد و خودرأیی اگر عادل باشد و سبب تضییع حقوق دیگران نشود باید کمکشان کرد و مستحب است. یک روز هم حکومت سلطنتی بوده و مشروطه که میرزای نائینی آوردند قبل از او هم در زمان محقق ثانی حکومت غیر مشروطه بوده امروز هم حکومت جمهوری یعنی حکومت مردمی داریم در چارچوب موازین اسلام، بنا بر این می توانیم بگوییم که اسلام حکومت دارد و از احکام اولیه است؛ یعنی چیزی است که برای جلوگیری از هرج و مرج لازم است و



بنویسد یک کلمه است و آن این است که آنچه را بشریت رسیده که حکومتها لازم دارند مسلمانها هم باید آن را برای حکومتها درست کنند حکومت هم باید برود اگر در جایی رسیدند که جایز نیست فکر نکنند که روی حساب شخصی جایز است یا نه؟ به حساب حکومتها مالکیت در دنیا محترم است و این چیزی نیست که ما مسلمانها داشته باشیم همه طرفداران مالکیت آنها محترم می دانند، همه هم می گویند کسی حق ندارد در مال دیگری تصرف کند همه هم می گویند اگر شهرداری بخواهد خیابان کشی کند و خواست خانه شما را خراب کند می تواند لکن باید پولش را به قدر متعارف و قیمت بازار بدهد این دیگر بحث شخصی نیست که من بگویم من راضی نیستم و خلاف شرع است آنچه را که حکومت برای اداره امور مردم در دنیای امروز به حکومت داده اند بنده معتقدم در

اسلام هم به حکومت داده است و در بعد حکومت باید نگرست نه در بعد قانون مدنی. می خواستند با قانون مدنی قانون کار درست کنند، خوب با قانون مدنی درست نمی شود و جالب این است که در روایات تحف العقول که شیخ در اول مکاسب محرمة آورده یکی از وجوهای امارت دانسته یعنی قوانین استخدایمی و حکومت غیر از قوانین مالک و مستأجر است قوانین استخدایمی، وزارت کشور می خواهد مجلس و نمایندگان می خواهد این درباره حکومت اما مسأله ای که فرمودید آیا نظریات امام فرق کرده یا نه؟ اصول کلی امام سر جای خودش است و فرق نکرده هر فقیه و محقق باید این طور باشد اصول کلی فرق نمی کند اما بر حسب اشکالات و مشکلاتی که پیش می آید دوباره بر می گردد به آن اصول کلی و به قول امام زمان و مکان در استنباط و فقه مؤثر است محور همان کتاب و سنت است و همان اقوال فقها اما زمان و مکان مؤثر است این حرف تنها مال امام نیست بلکه شهید اول هم این حرف را دارد و مواردش مؤثر است. زمان و مکان مؤثر است هم فقهای دیروز داشته اند و هم فقهای امروز و هم فقهای فردا دارند اشکال ها را هم نباید بگوییم چون غربی ها گفته اند پس ما بگوییم این باطل است و کفر است این ها چیزهایی است که خود انسان گاهی می فهمد و می یابد یعنی به این جا می رسد که چرا این طور شد خوب اسلام دین منطقی است حتی نماز و روزه را هم که واجب می کند، جهتش را هم بیان می کند علل الشرایع پر است از جهت مسائل اگر دیروز در مسائل زنان مشکلاتی نبود برای این بود که خانواده ها و زندگی بشر یک زندگی بسته بود و مشکلی پیش نمی آمد دیروز که زن نمی خواست به دانشگاه بود تا شوهر بگوید نمی خواهم بروی دیروز که شوهر معتاد نبود دیروز که شوهر زندانی شده نبود شوهر فراری نبود اما امروز همه این ها پیش می آید این جاست که وقتی به سراغ امام می روید که شورای نگهبان در مورد عسر و حرج زندگی برای امام می نویسند - من همانجا هم منبایم با حالا یکی بود طرفدار این بودم که عسر و حرج می تواند باعث طلاق بشود - می بینید که امام آنجا می نویسد آری باید به محکمه برود و نصیحت کند والا طلاق بدهد اگر نبود ترس، مطالب آسانتری بود که می گفتم یعنی امام با همه قدرتش می ترسید.



وظیفه اصلی رسانه ها اطلاع رسانی است همچون پلی واسط بین دولت و جامعه تا در کنار اطلاع رسانی از عملکرد دولت، نظرات متفاوت در جامعه را نیز به گوش مسئولان برساند و کمبودها و کاستی ها را بنمایاند. در بین رسانه ها نشریات چاپی و نسل جدید آن (الکترونیکی) به علت سابقه طولانی تر، محدودیت کمتر و ماندگاری بیشتر نسبت به رادیو و تلویزیون بیشتر مورد بحث این نوشتارند.

در نظام های دموکراتیک، مطبوعات علاوه بر نقش اطلاع رسانی، به عنوان یک نهاد ناظر بر عملکرد دولت عمل کرده و آنجا که لازم است دست به افشاگری می زنند تا دولت در پس قدرت و میل به ناشفافی که دارد از مسیر درست منحرف نشده و فاسد نگردد. افشای شکنجه و نقض حقوق بشر در زندان ابوغریب و بازداشتگاه گوانتانامو در رسانه های آمریکا و افشای فساد مالی نمایندگان پارلمان انگلیس که از بودجه عمومی برای مصارف شخصی استفاده کرده بودند دو نمونه از رسالت رسانه ها و عقب نشینی حاکمیت در برابر آنهاست، که به استعفای رئیس مجلس عوام و تعدادی از وزرا و مسئولان دولتی انجامید. مطبوعات آزاد برای همین نقش و اثرگذاری است که رکن چهارم دموکراسی نام گرفته اند.

دموکراسی را حکومت مردم بر مردم نام نهاده اند نه حکومت قشر و طبقه ای خاص. در نظام انتخاباتی چنین حکومت هایی همه اقشار جامعه امکان انتخاب کردن و انتخاب شدن دارند، انتخابات ابزار سنجش نظر و تمایل جامعه است تا امکان جایجا شدن قدرت فراهم آید. همین جایجا شدن امکان فاسد شدن قدرت را کم می کند این امر محقق نمی شود مگر اینکه مطبوعات و نهادهای مدنی نظارت بر دولت را برعهده داشته باشند.

نظام های دموکراتیک یک شبه چنین نشدند بلکه فراز و نشیب های سهمگینی را از سر گذراندند تا در پرتو آزادی و حقوق بشر، قدرت را مهار کنند و در این راه هزینه های بسیاری پرداخته شد اما شاید بتوان گفت مهمترین عامل به نتیجه رسیدنشان درس گرفتن از تاریخ به جای تحریف آن و تکرار اشتباهات بود. امروزه مطبوعات، نهادهای حقوق بشری و سازمان های غیر دولتی نه تنها به چشم رقیب دولت نگریسته نمی شوند بلکه در کنار دولت، یاریگر آن در اداره امور جامعه اند. آنها به عنوان

نهادهای مدنی از سوی حاکمیت پذیرفته شده اند چرا که آنها می دانند با تضعیف این نهادها هر آن احتمال از دست دادن همه دستاوردها و بازگشت به دیکتاتوری وجود دارد. امکان فرو افتادن از اسب قدرت و مغضوب شدن و احتیاج به همین نهادها در دفاع از حقوقشان برای هر کدام از اصحاب قدرت وجود دارد و گرنه مگر تعطیلی مطبوعات کاری دارد؟ مگر پاره کردن قانون و عمل نکردن به آن کار سختی است؟ مگر یک اداره نمی تواند رسانه های غیر خودی را دعوت نکند و یا فلان مسئول تلفن او را پاسخ ندهد و یا با جواب پرت و پلا به خبرنگاران پاسخ دهد؟ واقعا آیا این کار سختی است؟ آیا عاقلانه است که بگوییم چنین راهکارهایی

برای کنند شر این ناظران از سر دولت به ذهنشان نرسیده است؟

مطبوعات با عمر نسبتا طولانی نسبت به سایر رسانه ها، با اطلاع رسانی درست و حفظ استقلال خود، اعتماد مردم و دولت را به خود جلب کرده و با ارائه گزارش از کاستی ها، نقدها و راهکارها عملا امکان برخورداری از نظرات متنوع را به مسئولین می دهد. اما در دیار ما مطبوعات از بدو پیدایش یا دولتی بوده اند و مجیزگوی دولت یا اهل مبارزه برای کسب قدرت و ایفای نقش احزاب، آنها هم که وظیفه حرفه ای خود را انجام داده اند تحمل نشده و به انحای مختلف از انتشار بازمانده اند. همه اینها در کنار بسته

شدن فضا برای فعالیت حرفه ای و فاصله گرفتن مطبوعات از رسالت اصلی شان بر بی اعتمادی مردم به آنها نقش مهمی دارد در کنار همه اینها پدیده نوظهوری جلب توجه می کند: رواج تحریف و جعل خبر. بعید به نظر می رسد هیچ یک از فعالان رسانه ای این حجم از اخبار مجعول و تحریف شده را به خاطر داشته باشند. این خود عملا فضای اطلاع رسانی را چنان تیره و تار کرده که در وصف نمی گنجد. این حرکت، بر بی اعتمادی بیشتر مردم تاثیر گذاشته و مهمتر

از همه این اخبار تحریف شده و یا مجعول خود به عنوان داده های یک سیاستگزاری مورد تحلیل قرار می گیرد و تحلیلی غیر واقعی و خنده دار را رقم می زند.

این نوع اطلاع رسانی هیچ کم از جنایت ندارد. نه قابل بخشش است و نه می توان فراموش کرد و برای جلوگیری از تکرار آن مستحق مجازات سنگین. ایدز یکی از نمونه هاست. هنوز مدت زیادی از تبلیغات رسانه ها مبنی بر گسترش ایدز در بلاد دیگر و شادی تلویحی از آن بدون توجه به احتمال

جالب تر از دروغ سازی، تحریف است. تحریف گزارش از وقوع رویداد اصلا سخت نیست اما تحریف نوشته یا گفته دیگری خیلی اعتماد به نفس می طلبد که وقتی اصل آن موجود و منتشر شده و دستیابی به اصل آن به آسانی مقدور است، جمله یا جملاتی از میان گفتار یا نوشتار بیرون بکشی یا مهمتر چیزی بر آن بیفزایی تا معنای جمله تغییر کند و یا با جابجا کردن جملات و عبارات آن را به جای متن اصلی منتشر کرده و همان را برای کوبیدن کسی در بوق و کرنا کنی.

گسترش آن در کشور نمی گذرد. کمترین اطلاع رسانی راجع به این بیماری با واکنش های شدیدی مبنی بر فاسد نشان دادن کشور اسلامی و ترویج ابتذال و لابالی گری مواجه می شد تا رسانه های مستقل از حاکمیت همچون رسانه های دولتی به جای اطلاع

رسانه

ت

د

رسانی مداوم و چگونگی آموزش راه های انتقال ایدز، سر خود زیر برف می کنند و کار به جایی می رسد که تعداد مبتلایان به ایدز بنا بر آمار رسمی به ۲۰ هزار نفر می رسد [سلامت نیوز ۱۳۸۸/۹] البته کارشناسان آمار واقعی آلوده شدگان را ۸۳ هزار نفر برآورد می کنند [ایسنا ۱۳۸۸/۷] که ۳۳۱۵ نفر تا کنون از دنیا رفته اند و البته

هم از سنین کودکی شناخته اند. تن فروشی و اعتیاد از دیگر موارد ارانه آمار مجعول است که با عدم ارائه آمار و یا جعل آن امکان تحلیل و برنامه ریزی درست را از کارشناسان می گیرد و تنها حاصلش گسترش روزافزون آن است به طوری که هم اکنون در پی انکار و تخفیف به جای پیشگیری و درمان، سن برخی از هنجارهای اجتماعی در ایران به ۱۲ سال تقلیل یافته است. [سرمایه ۱۳۸۸/۶/۲۵] انکار فقر یکی از طنزهای تلخ زمان ماست. بیکاری، تورم و گرانی از عوامل موثر در گسترش فقرند و زمانی که فقر وجود نداشته باشد نه نیازی به اشتغال زایی است

نهادهای و شخصیت های مذهبی چه به لحاظ دغدغه های شخصی یا در جایگاه یک رسانه و ناظر برای انعکاس نظر بخشی از جامعه این نقش را نیز برعهده گرفته، علاوه بر اظهار نظر در امور مذهبی به مسائل سیاسی و اجتماعی نیز می پرداختند. دولت نیز به سبب جایگاه آنان تا حد امکان دغدغه آنها را در سیاست های خود لحاظ می کرد اما امروزه ظاهرا این نقش مراجع و شخصیت های مذهبی بابت توجهی روبرو می شود.

اما جالب تر از دروغ سازی، تحریف است. تحریف گزارش از وقوع رویداد اصلا سخت نیست اما تحریف نوشته یا گفته دیگری خیلی اعتماد به نفس می طلبد که وقتی اصل آن موجود و منتشر شده و دستیابی به اصل آن به آسانی مقدور است، جمله یا جملاتی از میان گفتار یا نوشتار بیرون بکشی یا مهمتر چیزی بر آن بیفزایی تا معنای جمله تغییر کند و یا با جابجا کردن جملات و عبارات آن را به جای متن اصلی منتشر کرده و همان را برای کوبیدن کسی در بوق و کرنا کنی. حکایت ملا نصرالدین می شود که چون دید نانوایی شلوغ است مردم را برای گرفتن نان رایگان به کوچه دیگر فرستاد اما خودش هم دروغ خودش را باور کرد و رفت تا در تهیه نان از دیگران عقب نماند. هر بار که این انتشار جملات انتخابی برای کوبیدن افراد اتفاق می افتد یاد حکایتی می افتم که این بار همین چند هفته پیش پس از سخنرانی آیت الله العظمی صانعی در گرگان و جنجالی که با استناد به جمله ای از آن به پا شد، رخ داد. فرد تنبلی صفحه ای از کتاب را می خواند به انتهای صفحه که رسید به کلمه "لا اله" یعنی خدایی نیست برخوردار، بنای فحش و فزاحت بر نویسنده گذاشت. در شهر می گشت و آن را کافر و مرتد و مهدور الدم می خواند وعده ای هم دور او جمع شده بودند کاسه از آش داغ تر. بدون آنکه بخواهند به خود زحمت دهند کتاب را ورق زدند و "الا اله (خدای بزرگ) پشت صفحه را بخوانند. حال شده حکایت امروزمان که در فضای اطلاع رسانی برای از میدان به در کردن دیگران فعلا اعتقاد به خدایی نیست.

در نظام های دموکراتیک، مطبوعات علاوه بر نقش اطلاع رسانی، به عنوان یک نهاد ناظر بر عملکرد دولت عمل کرده و آنجا که لازم است دست به افشاگری می زنند تا دولت در پس قدرت و میل به ناشفافی که دارد از مسیر درست منحرف نشده و فاسد نگردد. افشای شکنجه و نقض حقوق بشر در زندان ابوغریب و بازداشتگاه گوانتانامو در رسانه های آمریکا و افشای فساد مالی نمایندگان پارلمان انگلیس که از بودجه عمومی برای مصارف شخصی استفاده کرده بودند دو نمونه از این رسالتهاست.

و نه لازم است سیاستی برای کاهش تورم و مهار گرانی گذاشته شود و ادامه روند موجود بهترین راه است. فقر را مادر جرایم و ام الفساد نامیده اند بدیهی ترین دستاورد فقر دزدی، قاچاق و تن فروشی در کنار سایر بزه هاست که به جای پیشگیری از آن، با قطع ید، اعدام و سنگسار اقدام به حذف معلول می کنیم در صورتیکه بدون توجه به علت هیچگاه شاهد توقف این نمی شویم. سعید الصحاف وزیر اطلاع رسانی عراق در زمان صدام هنوز از یادها نرفته است. در حالی که سربازهای آمریکایی پشت دروازه بغداد بودند رسانه ها او را نشان می دادند که بر روی پشت بام ساختمان، حمله و خطر حضور نظامیان آمریکایی را تکذیب می کرد. نتیجه چنین اطلاع رسانی بسیاری را تا پای مرگ فرستاد. انتخاب جملاتی از میان سخنرانی مفصل یکی از شخصیت های انقلاب، نمونه ای دیگر از نتایج چنین اطلاع رسانی مغرضانه است. همو می گوید: در کشور ما در نبود مطبوعات و سازمان های غیردولتی موثر،

هنوز هم عده ای به جای حل مسئله آنها را ماموران آمریکا و اسرائیل می دانند و مستحق تف و لعنت که برای بدنام کردن جامعه اسلامی ماموریت داشته اند ایدز بگیرند. این در حالی است که کشورهای زیادی بهترین راه جلوگیری از گسترش این بیماری را اطلاع رسانی پی در پی و آموزش بی پرده آن

رسانه ها

به

کجا

می

روند

؟

فرایند تبعیت از نظامات اجتماعی

بازگردانده پول خود را پس بگیرد، تا بین مادر و دختر جدایی نیفتد، فقهای شیعه از این جریان چنین استفاده کردند که جدایی افکندن میان افرادی که بین آن‌ها رابطه‌ی عاطفی وجود دارد جایز نمی‌باشد و فرقی نمی‌کند که این رابطه رحمی باشد یا غیر رحمی. مثلاً اگر کودکی در یک خانواده به عنوان فرزند خوانده پرورش یافت، نباید جنگ باعث جدایی این فرزند از پدرش شود، زیرا میان آن‌ها رابطه‌ی محبت و مودت وجود دارد. خلاصه هر کس در جنگ دخالتی نداشته باشد و در صحنه‌ی نبرد شرکت نکرده است، مال و جان و ناموس او در امنیت است.

سؤال دیگرم این است که: در زمان غیبت چه تعریفی از اشغالگران ارائه می‌شود، یعنی آیا در حال حاضر از جنبه‌ی نظری اشغالگر وجود ندارد؟

در حال حاضر متجاوزانی که در قرآن ذکر شده‌اند وجود ندارند، اما در مورد مسأله‌ی ظلم اگر کسانی بخواهند به جمعی از مسلمانان ستم کنند، بر ما و همه‌ی مسلمانان واجب است که میان آن‌ها صلح و آشتی برقرار نموده و به یاری مظلوم برخیزیم.

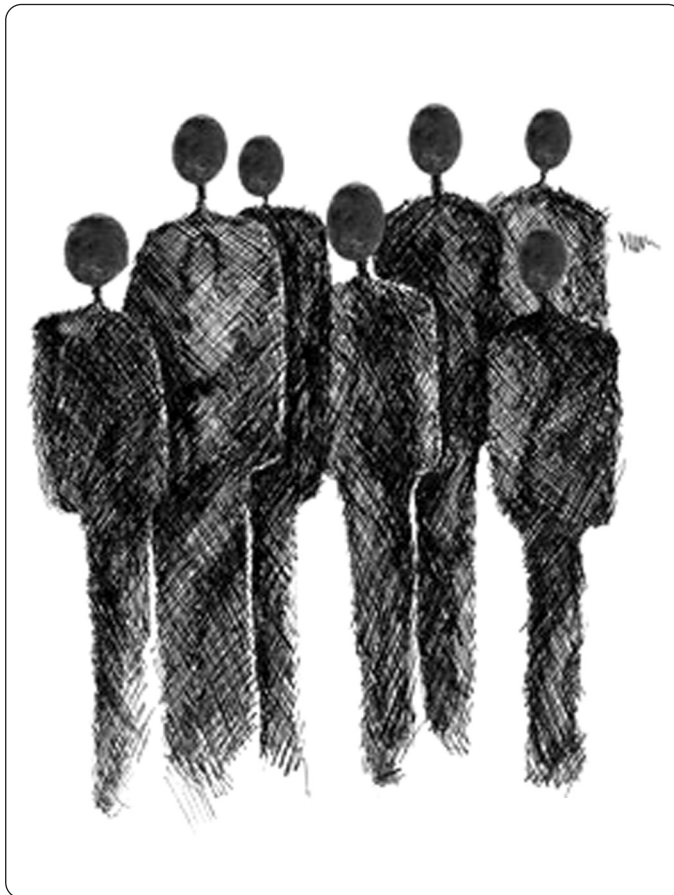
باغی به معنای خاص آن عبارتست از تعدی بر امام معصوم و به معنای عام و با توجه به استفاده‌ی عقلی و طبق برداشتی که از آیه‌ی شریفه به دست می‌آید به این معناست که باید

هر متجاوزی را نصیحت نمود و در صورت موثر نبودن آن باید به یاری مظلوم برخاست...

آیا می‌توان گفت: که هر کس با اجماع فقهی (یعنی اجماع علما) مخالفت کند، متجاوز به شمار می‌آید؟

در اصطلاح قرآن متجاوز به شمار نمی‌آید، بلکه محارب و مفسدی است که خلاف امنیت عمل کند، در این جا عملکرد امام خمینی - فقیهی که زمان از به دنیا آوردن شخصیتی همانند او عاجز است - در این زمینه را به عنوان دلیلی عملی و گواهی بر سخنانم بیان می‌کنم، ایشان در تظاهرات ضد سلطنتی به هیچ کس اجازه‌ی حمل سلاح در راهپیمایی را ندادند، و هرگاه در این مورد از ایشان کسب تکلیف می‌کردند، می‌فرمودند باید از طریق منطقی پیش برویم. اذع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنه (با حکمت و موعظه

حقوق انسان را به گونه‌ای نمایان می‌کنم، که بشریت بعد از صدها سال هنوز توانایی درک آنرا ندارند. مثالی در این مورد بیان می‌کنم: مسلمانان با تعدادی از کفار نبرد کردند، و زنان آنان را به اسارت بردند، - چون زنان آنان در صحنه‌ی جنگ حضور داشتند به اسارت گرفته شدند - به هنگام بازگشت به مدینه پول



مسلمانان تمام شد و از لحاظ معیشتی در مضیقه قرار گرفتند، لذا زنی از اسیران را فروخته و پول فروش او را خرج افراد سپاه کردند، زمانی که به مدینه رسیدند، پیامبر (صلی الله علیه وآله) دخترکی حدود ۱۰-۱۱ ساله را دید که مادر خود را صدا زده و گریه می‌کرد، پیامبر (صلی الله علیه وآله) جریان را پرسیدند، به ایشان گفتند این دخترک مادری داشت که او را فروختیم و پول فروش او را در زمینه‌ی مصارف لشکری هزینه کردیم، حال دخترک از مادرش جدا شده و برای او دلتنگی نموده و گریه می‌کند. به نظر شما انسان در چنین شرایطی چه عکس‌العملی از خود نشان می‌دهد؟ رسول خدا (صلی الله علیه وآله) قاطعانه دستور دادند که او را به مادرش بازگردانده و به خریدار مادر او بگویند که یا هر دو را با هم بخرد یا مادر او را

سؤال دیگرم این است که آیا می‌توان از لحاظ فقهی مردم را تقسیم بندی کرد من به مطالعاتی که در احکام جهاد داشتم، هیچ تقسیمی میان محارب و غیر محارب نیافتم و افراد به میزان قدرتشان در مبارزه ارزیابی می‌شوند، مثلاً کشیشان و صومعه داران در صورتیکه مردم تحت تأثیر سخن آن‌ها قرار بگیرند یا این که از قدرتی برخوردار باشند به قتل می‌رسند و همینطور افراد جوان و زنان در صورتیکه توانایی حمل سلاح را داشته باشند، آیا تقسیم بندی یا تعریف جدیدی برای تشخیص افراد غیر نظامی وجود دارد و منظور از مدنی چه کسانی هستند (محاربین یا غیر محاربین)؟

این مسأله را قبلاً یک نفر دیگر هم پیش کشید و ما را وارد بحث شدیدی کرد، هنگامی که سید (مقتدی) صدر در حرم امام (علی (علیه السلام) تحصن کرد یکی از حقوق دانان بین المللی که طرفدار نظام آمریکا به شمار می‌آمد گفت: مسجد پایگاه است، بدون این که بگوید این جمله از امام خمینی است که مسجد مکان عبادت است نه محل جنگ، از نظر آن‌ها در معاهدات ژنو لزوم عدم تعرض به اماکن عبادی ذکر شده، این مطلب ناظر به فقه مسیحی است نه شیعی... این تقسیم بندی‌ها و استفتاءات در جهاد ابتدایی موضوعیت ندارد چرا که در حال حاضر در عصر غیبت امام معصوم (علیه السلام) به سر می‌بریم و

هم چنین در جهاد دفاعی - که ممکن است برای هر کشوری اتفاق بیفتد - اشکالی ندارد، به همین جهت زنان و سالمندان به جنگ فرستاده نمی‌شوند. دفاع دارای آدابی است، به طوری که مسموم کردن آب دشمن، و قطع درختان جایز نمی‌باشد، و هم چنین نباید به افرادی که در حمله شرکت نکرده‌اند، و افراد بی‌سلاحی که در خانه‌هایشان مانده‌اند هجوم برد، و در صورت غلبه بر آن‌ها نباید آنان را به اسارت برد، افرادی که در جنگ شرکت کرده‌اند، اموالشان به غنیمت می‌رود اما اموال کسانی که در جنگ شرکت نداشتند به غنیمت گرفته نمی‌شوند، اینها نکات دقیقی است که نیاز به مطالعه و تأمل بیشتر دارد و اگر فرصت بررسی مفصل درباره‌ی این مسأله برای من به وجود آید، جلوه‌ی زیبای اسلام در زمینه‌ی دفاع از

ی نیک مردم را به راه پروردگارت دعوت نما، از ایشان برای کشتن حسن علی منصور نخست وزیر وقت شاه اجازه خواستند ولی ایشان به هیچ کس چنین اجازه ای صادر نکرد، اما آن ها اجازه ی قتل او را از شخص دیگری دریافت کردند، امام هرگز به قیام مسلحانه اعتقاد نداشت بلکه نظرشان این بود که باید از راه منطقی وارد عمل شد.

سؤال ویژه ای از شما، در زمینه ی انتخابات و میزان مشروعیت آن تحت سلطه ی اشغالگر دارم، آیا رابطه ای بین مشروعیت حکومت ها و انتخابات وجود دارد؟ به عنوان مثال برخی معتقدند انتخاباتی که تحت سیطره ی اشغالگر برپا می شود فاقد صلاحیت و مورد تردید است، به عبارت دیگر: آیا کسانی هستند که برپای انتخابات را در سرزمینی که تحت سلطه ی اشغالگران قرار دارد فاقد مشروعیت بدانند؟

رأی مردم حضور و اکثریت در یعنی انتخابات، با واسطه و بیواسطه شرط شرعی و قانونی ریاست بر جامعه، دولت، قوای مقننه، مجریه و قضائیه می باشد و بدون انتخابات و رأی اکثریت، تصدی پست ریاست و به دست گرفتن سلطه شرعاً جایز نمی باشد، چون باعث حکومت بر مردم بدون کسب رضایت آن ها می شود در حالیکه مردم نسبت به نفس خود، صاحب سلطه به شمار می آیند و هیچ کس بدون رضایتشان حق حکومت بر آنان را ندارد، برای این کار حتماً باید رضایت مردم تحقق یابد، همه حتی فقیه (ولی فقیه) باید به رأی اکثریت و نه با رأی اقلیت حکومت کند، در غیر اینصورت تصدی پست حکومتی مشروع نبوده و حرام است. زیرا مصداق تصرف بر حقوق مردم بدون رضایت آن ها به شمار می آید در حالیکه مردم بر اموال و حقوق خویش مسلط بوده و تصرف در اموال هیچ کس بدون رضایت او جایز نمی باشد، در این زمینه رضایت اقلیت کفایت نمی کند، بلکه باید جهت تأمین امنیت از رأی اکثریت پیروی کنند، عقلاً نیز رأی اکثریت را کافی نمی دانند، اما این مسأله در اصل مشروعیت حکومت شرط بوده و در قانون اساسی به آن اشاره شده است، زیرا حاکمیت از آن

خداست و خداوند حق حاکمیت هر فردی را به خود او داده است. استاد ما امام خمینی سلام الله علیه می فرمود: میزان و معیار در انتخابات رأی مردم است، قرآن و معصوم و سنت معیار انتخابات نیستند، معیار رأی مردم است آن هم با تکیه بر کتاب و سنت، و با استناد بر فقه، این مطلب اول.

مطلب دوم این که: اگر مردم رأی نداشته باشند و اظهار رضایت نکنند بلکه با حکومت مخالفت نمایند و نارضایتی خود را از طریق دیگری ابراز کنند، مثلاً مالیات نمی پردازند، به این دلیل که حکومت بدون رضایت آن ها و نامشروع به شمار می آید، و در صورت عدم رضایت مردم حکومت فاقد قدرت اجرایی خواهد شد، زیرا افراد جامعه به قوانین عمل نمی کنند، مگر این که به زور شمشیر از آن ها مالیات گرفته شود، که اخذ مالیات از این طریق در اسلام حرام است به دلیل این که در دین و حکومت اکراه و اجباری وجود ندارد.

مطلب سوم: مسأله صحت انتخابات است، به این ترتیب که اگر ملت انتخابات را فاقد صحت بدانند، با حکومت تعامل و همکاری نخواهند داشت، بلکه دست به اعتصاب خواهند زد، و این همان مطلبی است که در بیانیه ی خود در زمینه ی حوادث اخیر کشور به آن اشاره کردم.

در اسلام مسأله ای به نام مبعیت وجود دارد، مردم با رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بیعتی نمودند، با علی (علیه السلام) بیعت کردند، اما ایشان بعد از گذشت ۲۰ سال از رحلت پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمودند: لولا حضور الحاضر و قیام الحجة بوجود الناصر مجعلت حبلمها علی غاربها (اگر حضور مردم نبود و وجود یاران حجت را بر من تمام نمی کرد افسار خلافت را بر گردنش رها می کردم) یعنی اگر مردم نبودند خلافت را به دست نمی گرفتم، با وجود این که حکومت حق شرعی و واجب او بود، لیکن ایشان بعد از ۲۰ سال با اجتماع مردم بر بیعت با ایشان به خلافت منسوب شد و فرمود اگر اجتماع شما برای بیعت نبود زمام حکومت را بر گردنش می افکنم (کنایه از بی اعتنایی ایشان نسبت به مسأله ی خلافت و عدم پذیرش آن می باشد) این دلیلی از امام معصوم است

مبنی بر این که حکومت بدون رأی مردم واجب نبوده بلکه جایز نمی باشد، و اگر خلافت به صورت مطلق برایشان واجب بود، دیگر نیازی به رأی مردم و اجتماع و بیعت آن ها نبود.

اعتصاب مردمی نیز، شورش محسوب نمی شود، بلکه به معنای دفاع از حقوق و حاکمیت فرد بر خود می باشد. من بر مال و حدود و حقوق خود حاکمیت دارم، در صورت از بین رفتن حق و رأی من یا عدم توجه حکومت به رأی من، از طریق مخالفت با حکومت، درصدد دفاع از حق خود می شوم.

این کار قیام علیه امام به شمار نمی آید، بلکه مقتضای آزادی موجود در اسلام، و عدم مطلق بودن قدرت حاکم است، حاکم باید از قانون پیروی کند.

روایت معتبری از فقه شیعه را در این زمینه بیان می کنم، روایتی که با استفاده از آن طبق ضوابط فتوا می دهم:

اگر حاکمی از جانب خدا فرستاده شود تا بر جنازه ی فردی که از دنیا رفته نماز بخواند، اما اولیای میت به نماز خواندن او رضایت ندهند، ولی او با این وجود نماز را بخواند، آیا این نماز او (نماز میت) باطل خواهد بود؟ با توجه به این که امام معصوم بوده و حاکمیت او از ناحیه ی خداوند است، (در جواب گفته شد) او غاصب است.

آزادی و حقوق بشر در اسلام را بنگرید، که حتی شامل نماز میت نیز می شود، نماز در این جا بیانگر یک موقعیت اجتماعی است که بنا بر نظر شیعه اگر امام علی (علیه السلام) آن را بخواند باطل است و هم چنین طبق رأی اهل سنت در صورتیکه ابوبکر نیز آن را اقامه کند باطل می باشد. طبق این روایت برپادارنده ی این نماز غاصب به شمار می آید.

مسأله ی حقوق بشر در اسلام به اوج خود رسیده است، اما با توجه به اوضاع کنونی ما در ایران، توانایی و قدرت و وسیله ای برای تبیین آن وجود ندارد، و الا من بارها گفته ام که اگر زمینه ای برای گردهم آوری علمای جهان و مدعیان حقوق بشر ایجاد شود و اسلام به این کیفیت

اعتصاب مردمی نیز، شورش محسوب نمی شود، بلکه به معنای دفاع از حقوق و حاکمیت فرد بر خود می باشد. من بر مال و حدود و حقوق خود حاکمیت دارم، در صورت از بین رفتن حق و رأی من یا عدم توجه حکومت به رأی من، از طریق مخالفت با حکومت، درصدد دفاع از حق خود می شوم. این کار قیام علیه امام به شمار نمی آید، بلکه مقتضای آزادی موجود در اسلام، و عدم مطلق بودن قدرت حاکم است، حاکم باید از قانون پیروی کند.

اخبار حوزه

مدیر مدرسه قرآن و عترت

مدرسه قرآن و عترت با
محوریت تفکر شیعی شکل
گرفته است

مراسم اختتامیه برنامه های قرآنی مدرسه قرآن و عترت و مجلس بزرگداشت هشتم شوال سالروز تخریب قبور اهل بیت (ع) در بقیع با حضور ارادتمندان مکتب تشیع در محل این مدرسه برگزار شد.

مدیر مدرسه قرآن و عترت به خبرنگار مرکز خبر حوزه گفت: با توجه به نیازهای اخلاقی جوانان؛ برنامه های خود را با محوریت قرآن و عترت ساماندهی کرده و نسبت به تکمیل معرفت جوانان اقدام می کنیم.

حجت الاسلام مرتضی نائینی با اشاره به برنامه های متنوع فرهنگی این مدرسه اظهار داشت: برنامه های این مدرسه شامل تلاوت، تفسیر، حفظ قرآن، احکام و اخلاق اسلامی است که هر کدام از تنوع خاصی برخوردارند و متناسب نیاز یکایک افراد در سطوح علمی متفاوت ساماندهی شده است.

مدیر مدرسه قرآن و عترت با بیان طرح ریزی مسابقات فرهنگی متعدد در چارچوب کلاس ها و برگزاری آزمون های متنوع افزود: در پایان هر کلاس آزمونی برگزار و به نمرات برتر جوایزی اهدا می شود.

وی ابراز داشت: در ماه شعبان ۲۵۰ نفر در آزمون شرکت کردند و نمرات برتر مشخص شدند.

مدیر مدرسه قرآن و عترت در خصوص مطالعه سیره اهل بیت (ع) خاطر نشان کرد: کلاس هایی با محوریت تفکر شیعی شکل گرفته که در آنها مباحث ویژه ای راجع به نهج البلاغه و اهل بیت (ع) به ویژه حضرت علی ابن ابی طالب (ع) ارائه می گردد.

حجت الاسلام مرتضی نائینی در پایان تصریح کرد: ۲۴ سال است که به همین طریق، برنامه های متنوع فرهنگی عقیدتی را برگزار می کنیم و تلاش ما در این سال ها تشویق کودکان، نوجوانان و جوانان علاقه مند به مباحث قرآن و عترت بوده است.

نکرده ام، اما قطع من به صحت تشیع موجب قطع به بطلان مذاهب دیگر می شود، این ویژگی همه ی انسان هاست، چه مسیحی و چه یهودی.

مادی گرای مارکسیستی که مذهبی ندارد قاصر به شمار می آید و عذاب شامل انسان قاصر نمی شود، شما اگر

آیا می توان جهت پیکار با متجاوزان یا بیگانگان یا حاکمان و امثال آن ها، از کفار یار جست؟ آیا آراء فقهی دائماً مسأله ی جواز استعانت از اهل ذمه را مورد بررسی قرار می دهد؟ آیا در حال حاضر اهل ذمه وجود دارد؟ هم اکنون در جهان پنج میلیارد غیر

معرفی می شد تمام مردم یا مسلمان می شدند و یا به حقوق بشر اسلامی احترام می گذاشتند.

قضیه ی دیگری را برای شما بازگو می کنم: از حضرت امام صادق (علیه السلام) - امام ششم شیعیان و بنیان گذار فقه - سؤال شد: آیا شما از میدن

رأی مردم و حضور اکثریت در انتخابات، با واسطه و بیواسطه شرط شرعی و قانونی ریاست بر جامعه، دولت، قوای مقننه، مجریه و قضائیه می باشد و بدون انتخابات و رأی اکثریت، تصدی پست ریاست و به دست گرفتن سلطه شرعاً جایز نمی باشد، چون باعث حکومت بر مردم بدون کسب رضایت آن ها می شود در حالیکه مردم نسبت به نفس خود، صاحب سلطه به شمار می آیند، همه حتی فقیه (ولی فقیه) باید به رأی اکثریت و نه با رأی اقلیت حکومت کند، در غیر اینصورت تصدی پست حکومتی مشروع نبوده و حرام است.



به کتاب و سنت رجوع کنید خواهید دید که هرگاه کلمه ی کافر ذکر شده در کنار آن کلمه ی عذاب وجود دارد، اگر کلمه ی عذاب در کنار او ذکر شده است به این معناست که حجت بر او تمام شده، زیرا عقاب و عذاب بدون اتمام حجت، قبیح می باشد و ما کنا معذبین حتی نبیث رسولاً (عذاب را نازل نمی کنیم مگر بعد از فرستادن رسولی برای مردم)

(آن چه در کتب فقهی ذکر شده) مبنی بر این که شخص کافر در برابر شخص مسلمان به قتل می رسد، و مسلمان در مقابل کافر به قتل نمی رسد، منظور از

مسلمان وجود دارند که جز تعداد اندکی از آن ها کافر به شمار نمی آیند. کفر به معنای پوشش است و کافر کسی است که نسبت به حقانیت توحید، رسول و معاد آگاه است اما از روی عناد آن ها را انکار می کند، اما کسی که حقانیت اسلام را درک نکرده و نفهمیده است بلکه معتقد به حقانیت مسیح است (کافر محسوب نمی شود)، همان گونه که ما به حقانیت تشیع و شما به حقانیت تسنن معتقد هستید. من نسبت به صحت مذهب تشیع و بطلان مذاهب دیگر قطع دارم، هرچند به بقیه ی مذاهب رجوع نکرده و آن ها را بررسی

در محل سجده نهی کرده اید؟ - محل سجده کاغذ یا خاک یا چیز دیگری مانند برگ درختان می باشد - ایشان فرمودند: بله از این کار نهی کردم. سؤال شد: چرا؟ فرمودند: برای این که باعث آزار اشخاصی که در کنار او هستند نشود، ببینید با وجود این که انسان روزانه ده ها بار بر محل سجود سجده می کند، لیکن امام صادق (علیه السلام)، اسلام و خداوند از انجام این عمل در صورتیکه باعث آزار کسی شود نهی می کند، آیا تا این اندازه رعایت حقوق بشر در جایی سراغ دارید؟

انتشار کتاب "زن در اندیشه امام موسی صدر"

کتاب "زن در اندیشه امام موسی صدر" نوشته فاطمه صوان هیدوس از سوی انتشارات دارالامیر للثقافة و العلوم در لبنان به زبان عربی منتشر شد.



به گزارش مرکز خبر حوزه، به نقل از روابط عمومی موسسه امام موسی صدر، در مقدمه این کتاب آمده است: "در اندیشه امام موسی صدر، دری به روی زن باز می شود به همراه دیگر مصلحان اجتماعی. زن را از دایره تنگی که برای او در نظر گرفته شده بود، به سوی فضایی وسیع تر خارج کرد و با سخنانش، سیاست دور کردن و به حاشیه راندن زنان را ملغی کرد.

کتاب "زن در اندیشه امام موسی صدر" شامل مقدمه، پنج فصل و خاتمه است که در ۲۵۶ صفحه منتشر شده است.

نویسنده این کتاب، پس از پرداختن به کلیات موضوع کتاب در مقدمه، در فصل اول به زندگی امام موسی صدر می پردازد و ابعاد فردی، خانوادگی، علمی و اجتماعی زندگی ایشان را از ولادت تا ربایش، تشریح می کند.

در فصل دوم، نویسنده تحت عنوان "زن در سیاق تاریخی قبل از اسلام" دیدگاه امام صدر را درباره زن در تاریخ بررسی می کند و هم چنین به دو بحث "فلاسفه و زن" و "زن در شرایع آسمانی" می پردازد.

پس از آن و در سه فصل نهایی کتاب، نویسنده دیدگاه امام موسی صدر درباره زن در اسلام و معرفی زندگی حضرت فاطمه زهرا و حضرت زینب حورا (سلام الله علیهما) را به عنوان دو الگوی زنان و هم چنین نگاه امام موسی صدر به زن در قرن بیستم را بررسی می کند.

نسبت به صحت مذهب خود که موجب قطع به بطلان بقیه ی مذاهب می شود، قطع دارید، با وجود این قاطعیت چگونه عذاب خواهد شد؟ دلیلی برای عذاب وجود ندارد.

یا به عنوان مثال اگر پدری به فرزندش بگوید به خیابان نرو، از ترس این که با ماشین یا دوچرخه ای تصادف کند، با این حال او به خیابان می رود، آیا (دلیل این نهی را) درک می کند و با این وجود به خیابان می رود یا درک نمی کند؟ آیا نسبت به این مطلب شعور و آگاهی دارد یا نه؟

در اوایل کودکی پدرم (خدا رحمتشان کند)، از من می خواست درس بخوانم، او می گفت: درس خواندن مفید است اما من می گفتم: هیچ فایده ای در آن نمی بینم و نمی خواهم درس بخوانم، من به مدرسه و مکتب نمی روم می خواهم در دکان کفاشی کار کنم و شاگرد کفاش شوم، امام پدرم (خدا رحمتشان کند) قبول نمی کرد، و تهدید می کرد، اما نه با کتک بلکه روش دیگری داشت، او تصور نمی کرد من چه احساسی دارم، غیر مسلمانان هم همینطورند، سابقاً در روستاهای ایران کودکان به سن ۵-۶ ساگی می رسیدند، کیسه هایی به گردنشان آویزان می کردند، و به خیابان ها می رفتند تا فضله ی حیوانات را برای استفاده های سوختی جمع آوری کنند، پدرم مرا تهدید می کرد که اگر به مدرسه نروم، مرا وادار به انجام این کار کند، من هرگز عزت تحصیل علم و ذلت این کار را درک نمی کردم، ولی بعدها فهمیدم حق با پدرم بود.

معیار در مسأله ی یاری جستن از غیر مسلمان و از کفار این است که اگر حکومت ظالم و غاصب بود و برای غضب و اعمال ستم یاری بطلبید ای عمل حرام است، و فرقی نمی کند که یاری گرفتن از مسلمان باشد یا غیر مسلمان، و اما اگر حکومت مشروع باشد یاری گرفتن حتی از کفار نیز جایز می باشد.

محور و معیار نیست که اگر حکومت متصدی حکم مشروع باشد یاری بطلبیدن جایز است و اگر مشروع نباشد یاری جستن آن از مسلمان یا کافر جایز نمی باشد.

عذاب بدون اتمام حجت بر او صورت می گیرد.

عذر می خواهم، مسأله ی یاری جستن از کفار غیر مسلمان را بیان می فرمایید؟

یاری گرفتن از آن ها در زمینه ی دفاع اشکالی ندارد، چون در مسأله ی دفاع حتی اگر این امر به قتل مسلمان منجر شود جایز است، چه برسد به یاری جستن از غیر مسلمان.

سؤال ویژه ای در مورد، تعریف کفار دارم، طی اقامت در قم با افراد بسیاری در رابطه با این موضوع گفتگو داشتم، آیات بسیاری در این زمینه وجود دارد مانند "لقد کفر الذین قالوا ان الله هو السميع ابن مریم" (محققاً کسانی که گفتند: خداوند همان عیسی ابن مریم است، کافرند)

معیار در مسأله ی یاری جستن از غیر مسلمان و از کفار این است که اگر حکومت ظالم و غاصب بود و برای غضب و اعمال ستم یاری بطلبید این عمل حرام است، و فرقی نمی کند که یاری گرفتن از مسلمان باشد یا غیر مسلمان، و اما اگر حکومت مشروع باشد یاری گرفتن حتی از کفار نیز جایز می باشد.

(منظور از کافر در آیه) کسی است که از روی علم و آگاهی چنین سخنی بگوید.

افراد بسیاری هستند که نسبت به دین مسیحیت مقید بوده و کاملاً معتقداند که مسیح فرزند خداست و به این مسأله اقرار دارند، آیا این مطلب کفر به شمار می آید؟

نه کفر به شمار نمی آید، زیرا آنان از روی قصور به این امر معتقداند.

(همان گونه که) من به صحت مذهب تشیع و بطلان بقیه ی مذاهب اعتقاد دارم، و شما نیز به صحت مذهب اهل سنت و بطلان بقیه مذاهب ایمان دارید، آیا شما ادله ی مذاهب دیگر را بررسی کرده اید؟ با این حال شما

آن غیر مسلمان است.

هر آن چه در فقه اسلامی در خصوص مسأله ی ارث ذکر شده این است که کافر از مسلمان ارث نمی برد، غیر از مسلمان کسی ارث نمی برد، من معتقدم که یک مسیحی از پدر مسلمان خود ارث می برد زیرا غیر مسلمان است و حقوقی که در کتاب و سنت مورد استثناء قرار گرفته اند، فقط شامل کفار می شوند. مسأله ی استثناءات حقوق ایواب و سببی از فقه را فرا گرفته است و به کفاری اختصاص دارد که حقانیت اسلام را کاملاً درک کرده و نسبت به آن آگاه است. اما از روی عناد آن را انکار می کند، مسیحی، یهودی، مادی و کمونیست همگی از حقوق مساوی برخوردارند.

قرآن کریم به این مطلب اشاره و بلکه بر آن دلالت دارد. (کافران به ملائکه گفتند: قالوا کنا مستضعفین فی الأرض قالوا لهم تکن ارض الله واسعة فتهاجروا فیها" تا آن جا که فرمود: أَلَا المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان لا یستطیعون حيلة و لا یهتدون سبیلاً به این آیه رجوع کنید، علامه ی طباطبائی صاحب کتاب المیزان می فرماید: کلمه ی (سبیل) به سبیل خارجی و مکانی منحصر نمی شود، بلکه سبیل معنوی را نیز در برمی گیرد... لذا سبیل حجت است و کسانی که سبیل و راه را پیدا نکرده اند قاصرانی به شمار می آیند که اسلام و

توحید را نشناخته اند و به حقانیت آئین خود اعتقاد دارند، بنابراین در آخرت نه تنها عذاب نمی شوند بلکه از ثواب الهی نیز بهره مند خواهند شد، من معتقدم هر غیر مسلمانی اگر عمل صالح انجام دهد پاداش می گیرد و اگر عملی انجام دهد که عقل، دین، عقیده و یا حکومت، او را از انجام آن باز می دارند، به سبب اینکه عذاب می شود "من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها" (هر کس کار نیک انجام دهد ده برابر آن پاداش می بیند) این مسأله خاص شیعه اثناعشری نیست، بلکه غیر از اثنی عشری نیز (در مقابل کار نیک) ده برابر پاداش می گیرند، و از سوی خدا عذابی نمی بینند، زیرا در اینصورت

برگزاری همایش اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی امام خمینی در قم

به گزارش مرکز خبر حوزه، اساتید و پژوهشگران حوزه و دانشگاه تا سوم دی ۸۸ فرصت دارند مقالات علمی خود در خصوص محورهای همایش شامل؛ شخصیت، آثار و زندگی سیاسی، اجتماعی امام، مبانی نظری و عملی اندیشه سیاسی امام خمینی، نسبت دین و سیاست از منظر امام خمینی، جایگاه مردم در حکومت، ساختار حکومت، نظریه ولایت مطلقه فقیه، سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، در موضوعاتی چون متون، آثار و حیات سیاسی، استرژژی‌ها و روش‌های مبارزاتی، شخصیت و ویژگی‌های فردی، نقش آموزه‌های حوزوی و اساتید در اندیشه سیاسی امام خمینی، مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، فقهی، اصولی، کلامی، فلسفی و عرفانی امام خمینی، دین و سیاست، سکولاریسم، دلایل آمیختگی و نسبت عرفان و اخلاق و سیاست از منظر امام خمینی، نقش مردم و نسبت عرفان و اخلاق و مقبولیت، آزادی سیاسی و اجتماعی، مردم‌سالاری دینی، مشارکت و توسعه سیاسی از منظر امام خمینی، جمهوریت و اسلامیت، ساختار و شکل حکومت، نقش مجلس خبرگان و جایگاه مجمع تشخیص مصلحت از منظر امام خمینی، نظریه انتصاب یا انتخاب ولی فقیه، ادله عقلی و نقلی ولایت فقیه، شرایط حدود و اختیارات ولی فقیه و احکام حکومتی و مصلحتی و مقایسه نظریه ولایت مطلقه و مقیده، اصول سیاست خارجی، اصل نه شرقی و نه غربی، نوآوری‌های امام خمینی در دیپلماسی و روابط بین‌الملل، نامه امام خمینی به گورباچف، نوآوری‌های اندیشه سیاسی اجتماعی امام خمینی، ریشه و علل پیروزی انقلاب اسلامی و عدالت اجتماعی از منظر امام خمینی را به دبیرخانه این همایش به نشانی قم، میدان جهاد، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، معاونت پژوهش، اداره ساماندهی مطالعات و تحقیقات ارسال کنند. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۰۲۵۱-۷۱۱۰۲۰۷ تماس بگیرند. خاطر نشان می‌شود: این همایش با همکاری مجتمع آموزش عالی امام خمینی، دانشگاه باقرالعلوم، انجمن مطالعات سیاسی، علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی برگزار می‌شود.

باید نایب قبل از عقد اجاره، عذر خود را تذکر دهد چون متعارف در اجاره حج، حج کامل و غیر معذور است.

(مسئله ۸) نیابت افراد معلول از ناحیه دست یا پا جایز است و مانعی ندارد، آری اگر نداشتن پا سبب گردد که نمازش را نشسته بخواند در نماز طواف احتیاط کند و نایب بگیرد تا او هم نماز طواف را بخواند.

(مسئله ۹) شخصی که فقط از راه رفتن معذور است، می‌تواند نایب شود و با چرخ طواف و سعی را انجام دهد و چنین افرادی از معذورین نمی‌باشند، چون طواف و سعی با چرخ، با قدرت بر راه رفتن هم صحیح است.

(مسئله ۱۰) در حج واجب، نیابت از طرف شخص زنده جایز نیست، مگر اینکه منوب عنه از به جا آوردن اعمال حج

عاجز باشد (در صورتی که حج بر منوب عنه مستقر شده باشد)، اما نیابت در حج مستحبی از شخصی که در حال حیات است جایز است و ثواب بسیاری دارد.

(مسئله ۱۱) کسانی که استطاعت برای عمره مفرده داشته باشند و برای حج استطاعت نداشته باشند، عمره مفرده بر آنها واجب است، بنابراین، اشخاصی که به عنوان نیابت به حج می‌روند اگر سال اول آنها باشد، باید بعد از تمام شدن اعمال حج برای خودشان عمره مفرده به جا آورند، چون آنها در آنجا استطاعت عمره مفرده را دارند.

(مسئله ۱۲) کودک ممیز که خود محرم شده است، حکم بزرگسالان را دارد و باید مانند آنها شرایط طواف را رعایت نماید، چون خود طواف می‌کند و اعمال را انجام می‌دهد نه آنکه طوافش می‌دهند و سعیش می‌برند بنابراین در ابتدای طواف و سعی و بین سعی و طواف باید بیدار باشد، اما اگر کودک غیر ممیز باشد چنانچه در بین طواف یا سعی بخوابد، مانعی ندارد چون او را طواف و سعی می‌دهند.

مشقت در زندگی می‌شود، حج برای او واجب نمی‌باشد، و در حج مستحبی اگر منافات با حق استمتاع شوهر باشد باید با اجازه شوهر باشد.

(مسئله ۵) نایب در طواف نساء باید مانند بقیه اعمال، به قصد منوب عنه آن

محضر مبارک حضرت آیت الله آقای صانعی (دامت توفیقاته)

باسلام و تحیت، بدینوسیله به اطلاع می‌رساند: افرادی که با ویلچر در صحن مسجدالحرام طواف می‌کنند، گاهی در هنگام ازدحام جمعیت سبب مزاحمت برای سایر طواف کنندگان و بعضاً برخورد ناشایست دیگران با آنان و همراهانشان می‌باشد و حتی در برخی موارد به علت برخورد ویلچر آنان با پای طواف کنندگان سبب جراحت و در نتیجه متنجس شدن مسجد الحرام می‌گردد، آیا با توجه به این امور:

۱- چنین طوافی صحیح است یا نه؟

۲- آیا این افراد مجازند در طبقه دوم مسجد الحرام طواف کنند؟

مرکز تحقیقات حج

۱۳۸۸/۷/۷

بسمه تعالی

ج او ۲: طواف در طبقات فوقانی مسجدالحرام همانند طواف در طبقات پائینی و صحن مسجد الحرام حتی در صورت عدم ازدحام و در حال اختیار صحیح و مجزی است.

(مسئله ۱) کسانی که با فیش میت و به نیابت از وی به حج می‌روند اگر خود نیز تمام شرایط استطاعت بجز بازبودن راه را دارا باشند، (که آن هم با فیش حج میت حاصل شده)، در این صورت استطاعت برایش حاصل نشده، چون

در استطاعت غیر از مال و سلامتی بدن و بودن وقت، بازبودن راه از طریق مشروع و حلال نیز شرط است، آری، اگر از ناحیه صاحبان فیش و کسانی که فیش را به او داده اند اجازه به جا آوردن حج و اجیر گرفتن از مدینه یا جده برای متوفی به او داده باشند، در این صورت نه تنها چنین کاری جایز است، بلکه باید نایب بگیرد و اگر خودش برای میت حج به جا آورد، حجش به طور کلی باطل است یعنی نه برای میت صحیح است و نه برای خودش.

(مسئله ۲) اگر کسی که خیال می‌کرده مستطیع نیست، به نیت عمره و حج استحبایی محرم شود و اعمال عمره تمتع را انجام دهد بعد در مکه معلوم شود مستطیع بوده است، کفایت عمره تمتع او خالی از وجه نیست و باید پس از اعمال عمره تمتع به نیت وجوب برای اعمال حج تمتع محرم گردد، کما اینکه اگر بعد از فراغت از اعمال حج تمتع هم متوجه شود که مستطیع بوده، حجش صحیح و مجزی از حجة الاسلام می‌باشد.

(مسئله ۳) کسی که هزینه سفر حج را ندارد اگر بتواند با قرض نمودن حج بجا آورد لازم نیست قرض نماید، ولی اگر قرض کند در صورتی که قرض نمودن برای او هیچ گونه منت و مؤنه ای نداشته باشد و بتواند به سهولت قرض را اداء کند مستطیع می‌شود و اگر با آن حج به جا آورد از حجة الاسلام کفایت می‌کند.

(مسئله ۴) در سفر حج واجب، برای زن اجازه شوهر شرط نیست و زن باید حج واجب خود را به جا آورد، آری، اگر رفتنش به حج، باعث حرج و

یک روحانی ایثارگر
نقش روحانیت
در جنگ برای جامعه
تبیین نشده است



یک روحانی ایثارگر، گفت: انعکاس خاطرات جنگ تحمیلی و بیان احوال و آرمان شهدا نسل کنونی را به انقلاب پیوند می‌زند. حجت الاسلام محمد زروندی از پیشکسوتان ایثارگر حوزه علمیه خراسان در دوران دفاع مقدس در گفت و گو با مرکز خبر حوزه گفت: باید برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدای جنگ تحمیلی و بیان آرمان و ارزشی که برای آن جنگیدند، نسل امروز کشور را با نسل دوران دفاع مقدس بیشتر آشنا کرد و به انتقال آن ارزش‌ها پرداخت. این روحانی ایثارگر با استقبال از راه‌اندازی دفتر امور ایثارگران در حوزه علمیه خراسان اظهار داشت: متأسفانه تاکنون به نقش روحانیت در جنگ تحمیلی زیاد پرداخته نشده و تبلیغات حوزه نیز در این زمینه کم‌رنگ بوده است. وی خاطر نشان کرد: برگزاری یادواره‌ها، بیان خاطرات به صورت سخنرانی یا نوشتاری، چاپ کتاب و تشویق و تجلیل از ایثارگران می‌تواند از برنامه‌های ثابت این دفتر باشد.

شود، بنابراین، می‌تواند بدون احرام داخل حرم شود. کما اینکه می‌تواند به قصد عمره مفرده هم محرم شود، و در صورت گذشت یک ماه از خروجش از مکه در صورت ورود به حرم و مکه لازم است که با احرام عمره مفرده وارد حرم شود.

(مسئله ۲۱) آنچه در لباس نمازگزار شرط است در لباس‌های احرام نیز شرط است، بنابراین احرام در لباس حریر و لباسی که از اجزای حیوان حرام گوشت است، کفایت نمی‌کند؛ و بنا بر احتیاط مستحب، طواف کننده از نجاساتی که در نماز عفو شده (مثل خون کمتر از در هم و جامه ای که با آن توان نماز خواند مثل عرقچین و جوراب) اجتناب کند.

(مسئله ۲۲) گره زدن لباس احرام مانعی ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که لباسی را که لنگ قرار داده به گردن گره نزنند، و قرار دادن سنگ و یا چیز دیگر در لباس احرام و بستن آن با کش یا وسیله دیگر به احرام ضرر نمی‌رساند، و احوط ترک وصل کردن لباس احرام با سنجاق و سوزن است، لیکن اقوی جواز وصل همه آنهاست چون دوخته شده نمی‌باشد، ولی نباید به نحوی باشد که شبیه لباس دوخته شده محسوب شود.

(مسئله ۲۳) مستحب است پیش از احرام، در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است، و غسل احرام بلکه تمام اغسال مستحب و واجبه، از وضو کفایت می‌کند. و تقدیم این غسل، بخصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب پیدا نشود، جایز است، و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب پیدا شد، مستحب است غسل را اعاده نماید. کما اینکه بدون عذر هم می‌تواند قبل از رسیدن به میقات در هتل غسل نماید، لیکن باید تا میقات و تلبیه گفتن و محرم شدن، غسلش را حفظ نماید.

موضوعیت داشته و شرط صحّت باشد. **(مسئله ۱۷)** شاغلین در جدّه یا کسانی که از راه جدّه می‌خواهند برای عمره تمتّع یا عمره مفرده به مکه بروند می‌توانند از ادنی الحّل مثل مسجد تنعم یا حدیبیه محرم شوند چون مواقیت معروفه، میقات کسانی است که از آنها عبور می‌نمایند و همین طور محاذات میقات نیز میقات برای عبور کننده از آن می‌باشد و چون جدّه محاذاتش هم معلوم نمی‌باشد، فلذا احرام از ادنی الحّل برای آنها کفایت می‌کند و لازم نیست تغییر مسیر داده و به جحفه بروند و محرم شوند.

(مسئله ۱۸) کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکه می‌شود اگر احرامش در ماههای حج ۲ بوده، جایز است که آن را عمره تمتّع قرار دهد و دنبال آن حج تمتّع به جا آورد. **(مسئله ۱۹)** پس از انجام عمره تمتّع

(مسئله ۱۳) احرام بستن از داخل مسجد شجره واجب نیست و از خارج مسجد، تا حدودی که جزء ذوالحلیفه محسوب می‌شود، احرام جایز و صحیح است. بنابراین، احرام از بیرون مسجد و محل توقفهای ماشین و محل دست فروشها و خیابانهای مجاور و نزدیک مسجد که جزء ذوالحلیفه است، قطعاً کافی است.

(مسئله ۱۴) ادنی الحّل میقات عمره مفرده ای است که بعد از حج افراد یا حج قرآن به جا می‌آورند، و همه کسانی که در مکه تصمیم می‌گیرند عمره مفرده به جا آورند میقات آنان ادنی الحّل است و همچنین میقات کسی است که در حال عبور و رفتن به مکه از مواقیت خمسسه معروفه یا محاذی آنها عبور ننماید، همانند کسانی که از جدّه می‌خواهند به مکه بروند و محاذات برایشان محرز نشده

باشد (که برای غالب افراد اگر نگوئیم برای همه، محرز نمی‌باشد). میقات اینها ادنی الحّل می‌باشد.

(مسئله ۱۵) اگر زن در میقات حائض باشد و یقین کند که نمی‌تواند عمره تمتّع را در وقت خود انجام دهد، باید نیت حج افراد کند و برای حج افراد محرم شود و حج افراد به جا آورد و بعد از آن عمره مفرده انجام دهد و این حج از حجة الاسلام او کفایت می‌کند، ولی اگر در زمانی کشف خلاف شد، که امکان به جا آوردن اعمال عمره تمتّع را داشت، واجب است به عمره تمتّع عدول کند و بعد از آن حج تمتّع که حجة الاسلام او می‌باشد، به جا آورد.

(مسئله ۱۶) کسی که در غیر ماههای حج به مکه رفته و عمره مفرده به جا آورده و تا زمان حج در مکه مانده است، برای احرام عمره تمتّع، بنا بر احتیاط باید به میقاتی که از آن عبور کرده برود و از آنجا محرم شود، هر چند اکتفا به ادنی الحّل برای این گونه افراد خالی از قوت نیست، چون مواقیت معروفه میقات کسی است که از آنها یا محاذی آن عبور می‌کند نه آنکه

مسئله از مسائل حج
مطابق
با فتاوی مرجع عالیقدر
آیة الله العظمی صانعی

مطلوب است که انسان برای اعمال حج تمتّع در مکه بماند، پس اگر ضرورت و حاجتی نباشد بیرون رفتن اولی و احوط است. آری، در زمانی که می‌ترسد اگر بیرون برود به حج تمتّع و وقوف اختیاری عرفة نمی‌رسد، نباید بیرون برود. **(مسئله ۲۰)** بعد از اتمام حج تمتّع، اگر شخص از مکه خارج شود و قبل از آنکه یک ماه از خروجش بگذرد بخواد مجدداً مراجعت کند، لازم نیست محرم



گزارش نامه داخل
دفتر پبوع عالی قدس
حضرت آیت الله العظمی صانعی
چهارشنبه ۱ مهر ۱۳۸۸ - ۶ شوال ۱۴۳۰ - ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۹
سال اول / شماره ۶
www.saanei.org & istifta@saanei.org

دفتر قم:

خیابان شهید محمد منتظری. کوچه هشتم. پلاک ۴

کدپستی ۳۷۱۳۷۴۴۳۶۹

تلفن: ۰۱۰ - ۷۷۴۴۰۰۹ - ۷۷۴۴۷۶۷ - ۶۲ - ۷۸۳۱۶۶۰

نمابر: ۰۲۵۱ - ۷۷۳۵۰۸۰

ایمیل: istifta@saanei.org

حضرت آیت الله العظمی صانعی (مدظله العالی)
اساس تشیع بر حب، عشق، علاقه و دوری از
خشونت، ظلم، ستم و جنایت استوار است. در مکتب
شیعه مرز، نژاد، مذهب و ... مطرح نیست، بلکه
انسان به مفهوم واقعی آن مورد توجه است.
چکیده اندیشه ها، ص ۵۲

درج مقاله ها و تحلیل ها در راستای اطلاع رسانی و
ارتقاء سطح فکری می باشد و دلالتی بر تایید آن نیست.

به مناسبت سالروز تخریب قبور ائمه بقیع علیهم السلام

مدینه و بقیع تمام هویت ماست

مدینه و غربت بقیع از نگاه حضرت آیت الله العظمی صانعی:

وقتی در کوچه پس کوچه های مدینه راه می روی، هنوز بوی پیامبر و علی و فاطمه (علیهم و علی آلهم السلام) را استشمام می کنی. اگر عاشق باشی هنوز در کوچه های مدینه بوی سلمان، ابوذر، مقداد و عمار می آید. وقتی وارد مدینه می شوی، وقتی نگاهت به قبرستان بقیع می افتد، غربت بقیع و مظلومیت خاندان رسول گرامی اسلام تو را در خود می پیچاند و دیدگانت را پر از اشک می سازد و قلبت را به تپش و امی دارد؛ گامهات لرزان می شود، ولی نگاهت دور دورها را می نگرند و فکر می کنی که آیا می شود آن همه مظلومیت و ستم را فراموش کرد؟ آیا می توان ضجه های نالان زهرای اطهر را نشنید و سکوت و خانه نشینی علی (ع) را ندید و شهادت حسنین (علیهم السلام) و ادعیه زین العابدین و صحیفه سجاده او را که ذنباپی از معارف اسلامی را در لسان دعا مطرح کرده ندید؟ آیا می توان فراموش کرد که این بزرگان چه شاگردانی همچون زراره ها و ابن مسلم ها را تربیت کرده و احکام الهی را به ما رسانده اند؟ آیا می توان باقرالعلوم و فرزند بزرگوارش جعفر الصادق (علیهما السلام) را که علوم اسلامی و شیعه اثنی عشری را پایه گذاری کردند و با تحمل انواع اذیتها و آزارها و زندانها به دست ما سپردند فراموش کرد؟ آیا صبر و مقاومت زینب کبری را می توان به فراموشی سپرد؟ اینها تمام هویت و پیشینه ما هستند و ما با این همه زندگی می کنیم، عشق می ورزیم و تربیتشان را طوطبای چشم می سازیم. در این لحظه ها دوست داریم بر آن همه غربت و مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) و ظلم و ستم و تمامیت خواهی بنی امیه و بنی عباس و همه ستمگران تاریخ فریاد بر آوریم، اما نمی توانی، بغضت می ترکد و بناچار آرام و آهسته سرشک اشک از گونه هایت جاری می گردد و زمزمه کنان به نیایش می پردازی و به سراغ زیارت جامعه کبیره و امین الله می روی تا روح تو را پالایش کنند. و اینها همه نشانه مبارزه تو با مظاهر کفر و ستم است. آیا می توان این همه راه فراموشی سپرد؟ آیا می توان فراموش کرد که چگونه می خواستند این همه هویت و تاریخ ماندگار اسلام را از ما بگیرند؟ پس اگر می خواهیم این همه حفظ شود باید اندیشه تخریب و نابودی را از بین برد و به تاریخ پر افتخار شیعه اهتمام ورزید.

فکر برای دشمنان اسلام و سلفی ها است که می خواستند اسلام را از بین ببرند و چون این کار را ننگی برای خود می دیدند، گروهی را واداشتند تا دست به این جنایات بزنند. ایشان افزودند: شیعیان و مسلمانان باید در این روز محزون و غمناک بوده و بر عاملان این جنایت نفرین کنند و آنان را محکوم نمایند.

دیدگاه های آیت الله العظمی صافی گلپایگانی درباره تخریب قبور ائمه بقیع (ع)

قسمتی از نظرات و گفتار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی پیرامون تخریب قبور ائمه مظلوم بقیع علیهم السلام به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دفتر معظم له: فتنه تخریب بقیع توسط وهابیت، فاجعه ای است که تاریخ کمتر مانند آن را به یاد دارد.

معظم له تخریب قبور ائمه بقیع علیهم السلام توسط وهابیت را مصیبتی بزرگ برای جهان اسلام خواندند و گفتند: این مصیبت نه فقط بر شیعه و اهل بیت علیهم السلام، بلکه بر جهان اسلام وارد شده است و ضرری که از این حرکت بسیار زشت و ناهنجار متوجه اسلام شده است، ضرری است که کمتر در تاریخ مانند آن را می توان پیدا کرد.

ایشان بقاع متبرکه و دیگر آثار باقی مانده از ائمه را تاریخ مجسم اسلام خواندند و اظهار داشتند: وهابی ها تاریخ اسلام را از بین بردند و بدتر این که در این مدت ۸۰ سال نه تنها دست از این کارها نکشیدند بلکه هرجایی که اثری از اسلام و اهل بیت علیهم السلام بود ویران کردند؛ آثاری که یادگار اسلام، برکات اسلام و تاریخ اسلام است؛ بدون اینها تاریخ اسلام پشتوانه ظاهری ندارد.

این مرجع تقلید با اشاره به اینکه همه جوامع و ادیان دیگر به حفظ و مرمت آثار تاریخی خود پرداخته اند، مسلمانان را به حفظ و نگهداری از تاریخ مجسم اسلام ترغیب کردند و بیان داشتند: همینطور که در تمام دنیا این آثار حفظ می شود، باید آثار اسلامی را حفظ کرد تا هر کسی که به مکه و مدینه مشرف می شود بعد از صدها سال که از طلوع اسلام می گذرد، از نزدیک آنها را مشاهده کند.

معظم له این فجایع را ساخته فکر و اندیشه دشمنان اسلام و سلفی ها برشمرده و تصریح کردند: اصل

